



## Application of Child Friendly and Learning City as City Brands in the Realization of Citizenship Rights and the Right to the City

Mohsen Khakzad Shahandashti<sup>1</sup> 

1. Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Guilan University, Rasht, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** Urban law as a set of laws and regulations overseeing the implementation of urban systems to meet local common needs includes the requirements for the realization of citizenship rights and the right to the city. New approaches to urban development require urban brands to fulfill these requirements. Among the various urban brands that municipalities and local governments seek to establish today, this article analyzes the basics of these two brands in terms of the realization of citizenship rights and the challenges and discusses its problems.

**Method:** This article has been done using descriptive-analytical method using library sources and referring to international documents and domestic laws.

**Ethical Considerations:** All ethical considerations have been observed in this writing and the contents and sources have been expressed based on the principles of honesty and trustworthiness.

**Results:** The findings indicate that, although urban brands are initially the focus and favor of local governments, attention is paid to the lack of financial and human resource infrastructure, policy priorities and planning issues related to citizenship rights and also the lack of The presence of citizens in the decision-making and executive processes, the realization of these brands in Iran is facing difficulties.

**Conclusion:** Sustainable development, the realization of urban democracy and social justice as the goals of the mentioned brands depend on the empowerment of the single urban management. Since, in the discourse of urban brands, the municipality is in charge of branding and the city Islamic council has the duty of making policies, on the other hand, the citizen is no longer just obedient and obedient, but a participant, a demander, with the right to protest peacefully and the right to benefit maximally from the city's benefits, social justice and urban democracy are accompanied by the excellence of supervision of popular institutions and active participation in urban management. Therefore, fulfilling the duties and obligations of the two sides of the city and the citizen is the only way to achieve the order of the city and the realization of city brands.

**Keywords:** Citizenship Rights; Right to the City; Urban Rights; Child Friendly City; Learning City

**Corresponding Author:** Mohsen Khakzad Shahandashti; **Email:** [Mohsen.khakzad@guilan.ac.ir](mailto:Mohsen.khakzad@guilan.ac.ir)

**Received:** September 06, 2023; **Accepted:** January 30, 2024; **Published Online:** February 20, 2024

### Please cite this article as:

Khakzad Shahandashti M. Application of Child Friendly and Learning City as City Brands in the Realization of Citizenship Rights and the Right to the City. *Medical Law Journal*. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e51.



## مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



### کاربست برندهای شهری دوستدار کودک و یادگیرنده

### در تحقق حقوق شهروندی و حق بر شهر

محسن خاکزاد شاهاندشتی<sup>1</sup>

۱. گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** حقوق شهری به عنوان مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر اجرای نظامات شهری جهت تأمین نیازمندی‌های مشترک محلی، دربردارنده الزامات تحقق حقوق شهروندی و حق بر شهر است. رویکردهای نوین شهرسازی ایجاب می‌کند، برندهای شهری به تحقق این الزامات جامه عمل ببوشاند. از میان برندهای شهری متنوعی که امروزه شهرداری‌ها و حکومت‌های محلی به دنبال استقرار آن می‌باشند، این مقاله به سبب اهمیت و قدمت دو نشان شهری شهر دوستدار کودک و شهر یادگیرنده به تحلیل مبانی این دو برند در میزان تحقق حقوق شهروندی می‌پردازد و چالش‌ها و مشکلات آن را به بحث می‌گذارد.

**روش:** این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی، انجام پذیرفته است.

**ملاحظات اخلاقی:** کلیه ملاحظات اخلاقی در این نوشته رعایت شده و با تکیه بر اصول صداقت و امانتداری به بیان مطالب و منابع آن‌ها پرداخته شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌ها حاکی از آن است که برندهای شهری، اگرچه در ابتدا مورد توجه و اقبال حکومت‌های محلی است، اما توجه با عدم وجود زیرساخت‌های منابع مالی و انسانی، عدم وجود اولویت‌های سیاستگذاری و برنامه‌ریزی مباحث مربوط به حقوق شهروندی و عدم حضور شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرایی، تحقق این برندها در ایران با دشواری مواجه است.

**نتیجه‌گیری:** توسعه پایدار، تحقق دموکراسی شهری و عدالت اجتماعی به عنوان اهداف برندهای مذکور، در گرو توان‌افزایی مدیریت شهری واحد است. از آنجایی که در گفتمان برندهای شهری، متولی برندسازی شهرداری است و شورای اسلامی شهر وظیفه سیاستگذاری دارد، متقابلاً شهروند نیز دیگر مطیع و فرمانبردار صرف نیست، بلکه مشارکت‌کننده، مطالبه‌گر، دارای حق اعتراض مسالمت‌آمیز، حق بهره‌مندی حداکثری از مواهب شهری، عدالت اجتماعی و دموکراسی شهری همراه با تعالی نظارت نهادهای مردمی و مشارکت فعال در مدیریت شهری است، لذا ایفای تکالیف و تعهدات دوسویه شهر و شهروند، تنها راه به سامان رسیدن شهر و تحقق برندهای شهری است.

**واژگان کلیدی:** حقوق شهروندی؛ حق بر شهر؛ حقوق شهری؛ شهر دوستدار کودک؛ شهر یادگیرنده

نویسنده مسئول: محسن خاکزاد شاهاندشتی؛ پست الکترونیک: [Mohsen.khakzad@guilan.ac.ir](mailto:Mohsen.khakzad@guilan.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Khakzad Shahandashti M. Application of Child Friendly and Learning City as City Brands in the Realization of Citizenship Rights and the Right to the City. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e51.

## مقدمه

در جوامع مختلف افزایش روزافزون اقبال مردم به شهرنشینی، مشکلات موجود شهرها را دوچندان می‌نماید، گذشته از اسکان، حمل و نقل، آلودگی‌های زیست‌محیطی و اشتغال این شهروندان جدید با ابعاد نوینی از حقوق شهروندی مواجه خواهند شد که شناختی از آن نداشته‌اند. از سوی دیگر، مطالبه‌گران حقوق شهروندی نیز در پی بهبود اوضاع زیست شهری خود می‌باشند. بنابراین تصمیم‌سازان، برنامه‌ریزان و مجریان شهری بیش از پیش با ضرورت توجه همه‌جانبه به راهبردهای سودمند برای بهینه‌سازی زندگی ساکنان شهرها، مواجه هستند. مفاهیمی که امروز به عنوان حقوق شهری، حقوق شهروندی، حق بر شهر و برندهای شهری برجسته گردیده‌اند، حاصل چنین ضرورت‌هایی می‌باشند.

از میان برندهای شهری متنوعی که به صورت بین‌المللی مطرح بوده و در قالب شهرهای منتخب با رعایت الزامات از سوی سازمان‌های بین‌المللی چون یونیسف و یونسکو اعطا می‌گردند، موضوع این مقاله جستار در میزان تحقق حقوق شهروندی و حق بر شهر، در سایه به کارگیری الزامات این نشان‌های شهری است. با توجه به پایلوت‌بودن شهرهای ایران در پروژه‌های شهر دوستدار کودک و شهر یادگیرنده و نیز منافع عمومی که تحقق این نشان‌ها یا برندهای شهری برای شهرنشینان میسور می‌نمایند، مسأله اصلی این خواهد بود که در قالب الزامات شهری برای تحقق این برندها، چگونه شهروندان از مواهب حداکثری این نشان‌های شهری بهره‌مند می‌گردند. با توجه به رویکردهای نوینی که هم از باب انتزاعی و هم در حوزه عملی در مورد مفاهیمی چون حق بر شهر وجود دارد، به نظر می‌رسد، زمان آن رسیده باشد تا شهروندان خواهان تدبیر شهرداران، اعضای پارلمان‌های شهری و نخبگان در امر برنامه‌ریزی و مدیریت شهری باشند. حقوق شهروندی به عنوان حقوقی طبیعی و سلب‌ناپذیر در حوزه مورد بحث مقاله حاضر، درصدد تحقق نظم و عدالت شهری است که روشن است گاهی دستیابی به یکی سبب فداشدن دیگری می‌گردد. حقوق شهرسازی نیز در این گفتمان جای بحث

دارد، جایی که طرح‌های شهری سبب محدودیت مالکیت برخی از مالکین املاک و اراضی شهری، در راستای منافع و خیر عمومی مثلاً در افزایش فضای سبز مورد نیاز کودکان در تحقق حق بر فراغت می‌گردد که البته جایگاه بحث جداگانه‌ای را طلب می‌کند، اما ضرورت پرداخت به برندهای شهری در تکالیف شهرداری‌ها، همین ایجاد برابری در نظم و عدالت شهری است تا جایی که یکی فدای دیگری نگردد. از آنجایی که قواعد حقوقی در زمینه حقوق شهری ویژگی الزام‌آور دارند و به نظم عمومی مربوط می‌شوند برندهای فوق‌الذکر نقش متعادل‌کننده آن‌ها را در راه نیل به عدالت اجتماعی را ایفا می‌کنند.

رویکرد سنتی به حقوق شهری و شهروندی دیگر جایگاهی در مدیریت شهری نوین ندارد. امروز حقوق شهروندی به عنوان دوسویه‌ای از حق و تکلیف، لازم می‌دارد تمامی شهروندان با شرایط گوناگون، از مواهب حق بر شهر بهره‌مند شده و به خدمات شهری، فضاهای شهری و امکانات، دسترسی برابر و بدون تبعیض داشته باشند. زنان، کودکان، افراد توانخواه و سالمندان به عنوان گروه‌های آسیب‌پذیر بشری، هر یک هدف برندهای شهری بوده‌اند، لذا لازم است هم شهروندان و هم شهرداری از الزامات حقوق بشری و شهروندی این نشان‌های شهری آگاه بوده و نیز آگاهی‌رسان باشند. مشارکت شهروندان به عنوان شهروند خلاق، هوشمند و یادگیرنده و مداخله‌وی در تمامی مراحل تصمیم‌گیری و نظارت و نیز جامعه مدنی و سمن‌ها، ابزار شبکه‌سازی و ابراز عقاید و تصمیمات در پارلمان‌های شهری و تحقق دموکراسی هستند.

در مورد ادبیات پژوهش حاضر لازم است به مطالعات قبلی نیز اشاره‌ای شود:

عماد کتابچی و مائده ولی‌بیگی در مقاله‌ای با عنوان «نقش حق بر شهر در ارتقای حقوق شهروندی» (۱۳۹۹ ش.) به بررسی رابطه بین «حق بر شهر» و «حقوق شهروندی» و نقش حق بر شهر در ارتقای آن بر اساس چارچوب نظری نظریه حق بر شهر هنری لوفبور (Henri Lefebvre) پرداخته‌اند.

میلاد اسدی و مهین نسترن، در مقاله «شناخت حقوق کودکان در فضای شهری بر اساس معیارهای شهر دوستدار کودک»

## بحث

۱. **مفهوم‌شناسی:** در ابتدای بحث لازم است مفاهیم کلیدی چون حقوق شهروندی، حقوق شهرسازی، حق بر شهر، برند شهری، به زمامداری محلی و حقوق شهری و مبانی نظری آن را مورد بحث قرار دهیم.

۱-۱. **حقوق شهروندی (Citizenship Rights):** حقوق شهروندی مفهوم نوپدید نیست، اما فاقد تعریف مورد اجماع، حوزه شمول، منابع روشن و صریح و روشنی گستره تکالیف و حقوق است. قدر مسلم آن که هدف از آن برابری همه شهروندان در برابر قانون و بهره‌مندی بدون تبعیض ایشان از فرصت زندگی با کرامت و سه نسل شناخته‌شده حقوق بشر است که با تابعیت افراد، قابل استیفا خواهند بود.

در تعریف مانع و جامعی باید گفت در واقع حقوق شهروندی به اعتبار تابعیت برقرار می‌شود و مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق سیاسی و غیر سیاسی (حقوق مدنی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که دارای صبغه سیاسی نیستند) می‌باشد. از این رو می‌توان گفت که «حقوق شهروندی» شامل هر سه نسل حقوق بشر شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و حقوق همبستگی می‌باشند، در رویکردهای نوین حقوق بشری، وصف تابعیت را نیز لازمه بهره‌مندی از حقوق شهروندی ندانسته و به اقامت فرد اکتفا نموده‌اند که البته حقوق شهروندی را از برخی محتوای حقوق سیاسی تهی می‌گرداند. ارتقای حقوق شهروندی، اما ملزومات خاص خود را می‌طلبد، آگاهی از حقوق، مشارکت، مسئولیت‌پذیری و نظارت در راستای اداره بهتر جامعه، تکلیف شهروندان است. شهروند منفعل هم از حقوق خود ناآگاه است و به سادگی مورد تبعیض واقع می‌شود و هم کارایی لازم به عنوان رکن تصمیم‌گیرنده و ناظر را از دست می‌دهد و نیز از تکالیف نهادهای حکومتی و عمومی در قابل خود غافل است. شهروندی به شهروندان به عنوان اعضای جامعه، استقلال می‌دهد، آن‌ها را در تصمیم‌گیری مشارکت می‌دهد و آنان را قانون‌مدار بار می‌آورد. در این مفهوم شهروند با تبعه تفاوت می‌یابد و این تفاوت از بعد همین مشارکت‌پذیری است.

(۱۳۹۵ ش.) این‌گونه بحث کرده‌اند که با پررنگ‌تر شدن مباحث حقوق شهروندی و با توجه به اهمیت کودکان و ازطرفی، کم‌توجهی به خواست و نیاز آن‌ها در کشورهایی جمله ایران، شناخت شاخص‌های شهر دوستدار کودک برای دستیابی به محیط‌های دوستدار کودک امری ضروری و مهم می‌باشد.

محمد یوسفی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های شهر یادگیرنده با تأکید بر یادگیری مادام‌العمر» (۱۳۹۸ ش.) این‌گونه تحلیل نموده‌اند که «شهر یادگیرنده» مفهومی جدید است که هدف آن بسیج منابع برای یادگیری همه شهروندان در تمام طول عمر و همه مکان‌ها است تا موجب رشد فردی، توسعه اقتصادی و انسجام اجتماعی افراد شود.

مقالات و کتب متعددی در زمینه مدیریت شهری، حقوق شهروندی و نیز برندهای شهری به رشته تحریر درآمده، اما جای تحقیق جامعی که آثار و چالش‌های این برندها را در مدیریت شهری در پرتو حقوق شهروندی و حق بر شهر تحلیل نموده باشد، خالی می‌نمود، لذا مقاله حاضر در این زمینه نوآورانه به حساب می‌آید.

## روش

این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی، انجام پذیرفته است.

## یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که برندهای شهری، اگرچه در ابتدا مورد توجه و اقبال حکومت‌های محلی است، اما توجه با عدم وجود زیرساخت‌های منابع مالی و انسانی، عدم وجود اولویت‌های سیاستگذاری و برنامه‌ریزی مباحث مربوط به حقوق شهروندی و عدم حضور شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرایی، تحقق این برندها در ایران با دشواری مواجه است.

عدالت محور رسانیدن جامعه به نظم اجتماعی است. برنامه ریزی جامع نگر که انسان محوری را مبنای اندیشه ورزی قرار می دهد، به نظریه عدالت شهری می انجامد که در آن شهروندان اعم از کودکان، سالخوردهگان، معلولان و زنان، فضای شهری را به فضای تعامل، مشارکت و گفتگو تبدیل می کنند، لذا شهرسازی با مفهوم همزیستی و همگرایی رشد می کند (۴).

نهایت امر اینکه باید به مداخله گران در فرایند شهرسازی و مدیریت شهری نیز اشاره ای داشت: شورای عالی شهرسازی و معماری، شهرداری، شورای شهر، فرمانداری، سازمان نظام مهندسی و کنترل ساختمان و قوانینی چون قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری (۱۳۵۱)، قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به مسکن و شهرسازی (۱۳۵۳)، قانون جامع شهرسازی (۱۳۸۳). تغییر رویکرد این نهادها در تحقق برندهای شهری شرط لازم است.

۱-۳. حق بر شهر (Right to the City): ماده ۱ منشور جهانی حق بر شهر، شهرها را مکانی می داند که باید برای تحقق تمام حقوق بشر و آزادی های اساسی، مناسب باشند و کرامت انسانی و رفاه جمعی همه مردم را در برابری و عدالت و همچنین احترام کامل برای تولید اجتماعی سکونتگاه تضمین نماید. همه افراد حق یافتن شرایط الزم برای توسعه زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود در شهر را دارد (۵). بر اساس تعریف سازمان حق بر شهر، این حق، متعلق به همه ساکنان حال و آینده، دائمی و موقتی است که در شهرها، روستاها و سکونتگاه های انسانی اقامت دارند و باید بتوانند در این سکونتگاه به شیوه عادلانه، فراگیر، ایمن و پایدار به زندگی، اشتغال، تولید و حکومت بپردازند و از مواهب آن برخوردار شوند (۶). مفهوم حق بر شهر ایده هنری لوفبور اندیشمند فرانسوی در دهه ۷۰ میلادی است. او چارچوبی پیچیده و جامع را برای درک شهرنشینی و زندگی شهری در رابطه با رشد سرمایه داری به ما ارائه می دهد. تعریف او از حق بر شهر به مثابه حق «زندگی شهری، مرکزیت تازه، مکان های ملاقات و تبادل، ریتم های زندگی و استفاده از زمان، که امکان استفاده کامل از این لحظات و مکان ها را فراهم می کند»

می توان گفت که شهروندی «موقعیتی است که فرد با برخورداری از آن می تواند در یک جامعه سیاسی، اخلاقی شده و زندگی خود را بر اساس وابستگی های متقابل و بر اساس موازین و تعادل حقوق و مسئولیت های اجتماعی ساماندهی کند» (۱).

۱-۲. حقوق شهرسازی: حقوق شهرسازی به عنوان شاخه ای از دانش حقوق به بررسی ضوابط مربوط به اشغال فضای شهری، اصول حاکم بر شهرسازی، میزان و نحوه مداخله مقامات محلی و دولتی در رابطه با عملیات شهرسازی و ساختمانی، می پردازد. حقوق شهرسازی بر این دو پایه استوار است: ۱- مالکیت خصوصی؛ ۲- منافع عمومی در راستای تحقق عدالت شهری. این شاخه از حقوق در واقع حاصل ایجاد قواعد و حقوق حاکم بر زیستگاه های انسانی و مسائل مربوط به آن است. پویا و انعطاف پذیر است، ضوابط آن پیوسته بازبینی می شود و البته تبعیض آمیز است، مانند تقسیم بندی های شهری و تأثیر آن بر ارزش ملک، اما در قلمرو اعمال ضوابط منبعث از حقوق عمومی است مانند دریافت عوارض (۲).

فرآیند شهرسازی باید شامل فعالیت های آگاهانه جهت سامان دادن و نظم بخشیدن به شکل و فعالیت های مجتمع های زیستی برای هرچه بهتر تحقق یافتن اهداف آنها باشد. این نوع از شهرسازی در راستای تحقق مفهوم به زمامداری است. به زمامداری نوعی فرایند است که از یکسو دولت و از سوی دیگر شهروندان در آن دخیل می باشند، به صورتی که منجر به مدیریت شهری نزدیک به مفهوم عدالت اجتماعی و تحقق دموکراسی شهری شود. به این شرط که نقش جامعه مدنی در آن به خوبی ایفا گردد. پنج عنصر در حکومت شهری خوب اهمیت دارد: ۱- عناصر دولتی؛ ۲- عناصر عمومی؛ ۳- عناصر بخش خصوصی؛ ۴- توده های شهروندی؛ ۵- عناصر مدنی (۳). به این اصطلاح مهم در جای خود خواهیم پرداخت.

تأثیر شهرسازی بر مناسبات اجتماعی، زیست بوم، خشونت و بزه کاری شهری، ترافیک، آلودگی هوا، حاشیه نشینی، تراکم بالای جمعیت، فقدان فضای عمومی و تفریحی و بحران در کیفیت زندگی غیر قابل انکار است. یکی از اهداف شهرسازی

می‌باشد. این تعریف، توجه او را به جنبه‌های متعدد تجربه انسانی در زیست شهری را نشان می‌دهد (۷). این حق، یک حق جمعی و عمومی برای تغییر شهر و شکل‌دادن به روند شهرنشینی است، زیرا امکان اعمال تغییر در شهر به اعمال یک قدرت جمعی برای شکل‌دهی مجدد به فرایندهای شهری نیاز دارد. مفهوم حق به شهر مستلزم و منوط به آزادی تک‌تک انسان‌ها در شهر و بازسازی آن است (۸). منشور اروپایی حفاظت از حقوق بشر در شهر (۲۰۰۰ م)، اساسنامه شهر در برزیل (۲۰۰۱ م)، منشور جهانی حق بر شهر (۲۰۰۴ م)، منشور حقوق و مسئولیت‌های مونترآل (۲۰۰۶ م) و منشور حق بر شهر مکزیکوسیتی (۲۰۱۰ م)، نمونه‌هایی از اسناد بین‌المللی در زمینه حق بر شهر می‌باشند (۹).

حق بر شهر به عنوان یک حق جمعی، مکمل حقوق شهروندی است و میان این دو مفهوم ارتباط مستقیم و غیر قابل چشم‌پوشی وجود دارد. این بدان معناست که شهروندان در پی اختصاص فضاهای شهری منطبق بر نیازهای مدنی و اجتماعی خود هستند. نهادهای مدنی برای ارتقای کیفی محیط به کمک شهروندان رفته تا آنان را از محله‌هایی فقیرنشین و سکونتگاه‌های غیر رسمی برهاند، این حمایت‌ها بیش از پیش قشر آسیب‌پذیر حقوق بشر چون زنان، کودکان، کارگران، حاشیه‌نشینان و اقلیت‌ها را هدف قرار داده است، زیرا حق بر شهر باید برای همه افرادی که ساکن دائم یا موقت شهرها هستند شهرها بدون هیچ شکلی از تبعیض بر اساس جنسیت، زبان، مذهب، عقیده، منشأ نژادی یا قومی، سطح درآمدی، شهروند یا مهاجر تضمین شده باشد.

۴-۱. برند شهری (City Brand): طبق تعریف کاواراتزیس (Kavaratzis)، برندسازی شهری به عنوان ابزاری برای دستیابی به رقابت تعریف می‌شود، مزیتی که به شهر اجازه می‌دهد تا جاذبه سرمایه‌گذاری و گردشگری را افزایش دهد و همچنین سبب تقویت هویت محلی و اجتناب از طرد اجتماعی شود. این مزیت رقابتی از طریق مدیریت و ارتباط دست می‌آید و هدف از آن ارائه تصویری جذاب از شهر به وسیله برندسازی شهری است (۱۰).

برند یا نشان‌های شهری و مکانی، بر مجموعه‌هایی از روابط بین شهروندان و مدیران شهری با مشارکت فعال، غیر متمرکز، دموکراتیک، مشارکتی و جمعی دلالت دارند که نه تنها منجر به خلق ثروت برای ذی‌نفعان می‌گردد، بلکه منافع غیر مادی چون زیست در حال صلح، امنیت، تعامل و تساهل و احترام به محیط زیست را نیز ایجاد می‌نماید. در سال‌های گذشته شهروندان به عنوان یک گروه ذی‌نفع با اهمیت رو به رشد در نظر گرفته شدند. بنابراین ساکنان شهر و شهروندان به عنوان بخشی یکپارچه از برند و نیز سفیران برند شهر خود در فعالیت‌ها و در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت دارند. بنابراین چالش مدیران در برند شهری این است که شهروندان چگونه و تا چه اندازه می‌توانند و باید در فعالیت‌های برندسازی درگیر شوند. موضوعی که باید در هنگام بررسی پدیده مشارکت شهروندان در شیوه‌های برندسازی مکانی مورد بحث قرار گیرد، نقش توسعه فناوری در این فرآیند است، رسانه‌های جدید به دلیل دسترسی، گردش جهانی محتوا و تعامل، ابزارهایی با پتانسیل دموکراتیک قابل توجه هستند و در صورت استفاده بهینه، می‌توانند مشارکت شهروندان را در سیاست‌های عمومی مختلف به شکلی بی‌سابقه تقویت کنند. این به نوبه خود برندسازی مکانی را بسیار فراگیرتر و خلاقانه تر از آنچه امروز در حال انجام است، خواهد نمود (۱۱).

نهایتاً باید گفت برندسازی شهری به کلیه فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که با هدف تبدیل یک شهر از یک مکان به یک مقصد انجام می‌شود. برندسازی شهر به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به مزیت رقابتی تعریف می‌شود که به شهر امکان می‌دهد جذب سرمایه را افزایش دهد و به عنوان یک خط مشی عمومی و یک فرآیند حاکمیتی و برگرفتن از مفهوم مشارکتی است که در آن توجه ویژه‌ای به اهمیت فناوری‌های مدرن برای مشارکت مؤثر شهروندان شده است. تحولات نظری اخیر و مشاهدات تجربی در برندسازی و مدیریت نهادهای سرزمینی این امکان را فراهم کرده است که به این نتیجه برسیم که اهمیت شهروندان در این فرآیندها در حال افزایش است. نام تجاری مکان به طور فزاینده‌ای به عنوان یک فعالیت



مدیریت عمومی و فرآیند حاکمیتی تلقی می‌شود و به این ترتیب، نیاز به حمایت عمومی دارد.

۵-۱. **حقوق شهری:** امروزه حقوق شهری با افزایش دسترسی به خدمات شهری و مشارکت دموکراتیک مطابقت دارد و به عنوان مقوله‌ای از حقوق بشر در شهر از آن یاد می‌شود. از سوی دیگر، مطالعات انتقادی شهری که می‌توان با بحث‌های مربوط به حق هانری لوفور (Henri Lefebvre) بر شهر از دهه شصت آغاز کرد، اعتراضاتی را در مورد ساختار فضای شهری، مشارکت دموکراتیک محلی و بحث‌هایی درباره حقوق شهری مطرح می‌کند. اگرچه مفهوم حق بر شهر لوفور دارای محتوای کاملاً متفاوتی با حقوق شهری است، اما محتوای مفاهیم می‌تواند هر از گاهی با هم اشتباه گرفته شود، اما باید گفت تضادهای بارزی میان حقوق شهری و و حق بر شهر وجود دارد (۱۲).

حقوق شهری مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر اجرای نظامات شهری و منطقه‌ای جهت تأمین نیازمندی‌های مشترک محلی است که از طریق ایجاد اداره مؤسسات عمومی، حقوق و تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری‌ها و سایر ادارات شهری را تبیین می‌کند. این قوانین و مقررات به وسیله قدرت عمومی در جهت خیر عمومی وضع شده و لازم‌الاجرا است. حقوق شهری باید تعیین‌کننده محدوده اخلاقی و قانونی حق دسترسی شهروندان به سطح مطلوبی از خدمات شهری شامل فضای سبز، خدمات، حمل و نقل، مراکز تفریحی، خدمات آموزشی و حقوق فرهنگی باشد. اصلی‌ترین بحث در حیطه حقوق شهری، آشنایی شهروندان با قوانین و مقررات مورد عمل و جاری است. این آموزش‌ها به نظر می‌رسد در حوزه وظایف مدیران شهری باشد که از طریق مراجع غیر رسمی شهری یا اطلاع‌رسانی‌ها در سایت‌ها و خبرنامه‌ها انجام می‌شود که همان رویکرد رسانه‌محوری است که از آن یاد کردیم و خود از عوامل نیل به سوی شهر یادگیرنده نیز به شمار می‌آید. شهروندان باید از مقررات، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و حتی تصمیمات قضایی که شهر، شهرنشینی و شهروندان را به نحوی تحت تأثیر قرار می‌دهند، آگاهی داشته باشند.

حقوق شهری باید با چارچوبی کاملاً مشخص، شفاف، کارآمد و ناظر بر ارتقای سطح کمی و کیفی زندگی مردم شهر، مبتنی بر رعایت حقوق و تکالیف متقابل مردم و مسئولان شهری و نیز مردم با یکدیگر در امور شهری به گونه‌ای باشد که در مشارکتی سازنده، قانونمند و آگاهانه امکان توسعه پایدار شهری فراهم شود. این مهم، از جمله وظایف کلیدی شورای شهر است که در تعاملی سازنده با صاحبان تخصص و نیز مراجع قانونی تمهیدات لازم برای تدوین و تنقیح حقوق شهروندی روشن و مؤثر و کارآمد را در دستور کار خود قرار دهد (۱۳).

اما دلیل وجودی حقوق شهری را باید در سیاست شهری جستجو کرد. تبدیل وضعیت نامطلوب شهری به شرایطی که تا حد امکان برای تعداد زیادی از مردم رضایت‌بخش می‌شود، از طریق آمیزه‌ای از اراده سیاسی محلی مصمم و برنامه‌ریزی شهری پیشنهادشده توسط تیم‌هایی از متخصصان ماهر حاصل می‌شود. طیف گسترده‌ای از عوامل (اقتصاد، فناوری، عوامل اجتماعی - فرهنگی، چارچوب قانونی) بر زندگی شهری تأثیر می‌گذارد و باید به طور جامع مورد توجه قرار گیرد. بنابراین هر اقدامی که در شهرها انجام شود، نیازمند تحلیل، مطالعه، دانش و مسئولیت قابل توجهی است (۱۴). حقوق شهری و شهرسازی تا حد زیادی در پرتو این سیاست‌ها شکل می‌گیرند و به قواعد الزام‌آور مبدل می‌شوند. بنابراین اهمیت مفهوم زمامداری محلی و سیاستگذاری شهری مطرح می‌گردد که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

۶-۱. **به زمامداری محلی (Good Local Governance):** برای توضیح نسبت میان شهروندی، جامعه شهری و مدیریت شهری می‌توان نقطه شروع بحث را نظریه استوارت (Stewart)، لیستر (Lister) و دونیسون (Donison) قرار داد. این سه نظریه‌پرداز به ترتیب از چند مفهوم کلیدی که با بحث ارتباط تنگاتنگ دارد، استفاده کرده‌اند. این سه مفهوم کلیدی عبارتست از: ۱- شهروندسازی توسط حکومت محلی (استوارت)؛ ۲- تحقق عملی حقوق شهروندی در سطح جامعه محلی و شهری (لیستر)؛ ۳- تحقق عدالت اجتماعی در سطح محلی

شهروندان، تقویت حس تعلق اجتماعی شهروندان به شهر و زندگی شهری، تقویت حس اعتماد اجتماعی شهروندان به نظام مدیریت شهری و شهرداری، تقویت حس همکاری میان شهروندان و شهرداری و مدیران شهری، حل مشکلات شهری از طریق مشارکت شهروندان و شراکت با شهرداری، تقویت سازوکارهای دموکراسی شهری از طریق تحقق وظایف و حقوق شهروندی و شهرداری (۱۶).

اصطلاح «حکومت محلی» شامل تمام سطوح دولت زیر سطح ملی (یا سطح ایالتی، در زمینه‌های فدرال) است. این نوع از حکمرانی محلی در بافت‌هایی وجود دارد که روستایی (یا بخش‌ها) و شهری (شهرداری‌ها) هستند و شامل مؤسساتی با اختیارات متفاوت است، به عنوان مثال، شهردار یا فرماندار (انتصابی یا انتخابی)، اعضای شورای محلی یا اعضای مجمع (انتصابی یا انتخابی)؛ واحدهای فنی و اداری که خدمات محول‌شده به دولت محلی را ارائه می‌دهند و دفاتر محلی سازمان‌های دولتی نیمه‌خودمختار (۱۷)، اما به زمامداری در سطح محلی نیز قابل بحث است و همانطور که گفتیم، مهم‌ترین وظیفه مقامات محلی و حکومت‌های محلی (مدیریت شهری) که در راستای تقویت و بهبود اجتماع محلی و حکومت‌های کارآمد و مؤثر باید انجام گیرد، شهروندسازی است.

اگر هدف از برندسازی، تحقق حقوق شهروندی است، شهرداری به عنوان حکومت محلی و شورای شهر به عنوان پارلمان شهری باید از اصول راهنما برای حکمرانی مطلوب جهت تحقق برندهای شهر با رویکرد شهروندمحور، بهره‌برند که عبارتند از:

- برابری و شمول: ایجاد فرصت‌های برابر برای همه که این امر مستلزم شناسایی حاشیه‌نشین‌ترین و آسیب‌پذیرترین شهروندان و رفع این موانع است.

- پاسخگویی و شفافیت: تحقق شهری با مختصات رعایت حقوق شهروندی، مستلزم شفافیت در فرآیند تصمیم‌گیری و شفافیت در اجرا است.

(دونیسون). به نظر استوارت مهم‌ترین وظیفه مقامات محلی که در راستای هدف تقویت و بهبود اجتماع محلی و حکومت‌های محلی کارآمد و مؤثر باید انجام گیرد، شهروندسازی است.

شهروندسازی، یعنی فراهم‌نمودن امکانات، تسهیلات و سازوکارهای لازم برای شهروندان تا آن‌ها از حقوق شهروندی‌شان بهره‌مند شوند و ضمناً بتوانند به نحوی مناسب وظایف و تکالیف شهروندی‌شان را در قبال جامعه محلی و شهری که در آن زندگی می‌کنند، انجام دهند. به عقیده استوارت حکومت‌های محلی در مقایسه با حکومت‌های مرکزی نقش فعال‌تری در ارتقا، تشویق و ترغیب شهروندی سیاسی و جلب مشارکت‌های شهروندی دارند. لیستر نیز بر آن است که شهروندسازی مورد نظر استوارت می‌باید در راستای تحقق عینی و عملی حقوق شهروندی صورت گیرد و حکومت‌های محلی زمینه را برای برخورداری شهروندان از حقوق شهروندی مانند حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی شهروندی فراهم کنند. دونیسون نیز با تأکید بر تحقق عدالت اجتماعی در سطح محلی و شهری، معتقد به ارتباط تنگاتنگ شهروندان و حکومت‌های محلی و شهری است و نقش حکومت‌های محلی و شهری را تحقق عدالت اجتماعی در سطح محلی می‌داند (۱۵). در کل این دیدگاه‌ها، بر سه مؤلفه کلیدی تأکید دارند:

۱- نقش حکومت محلی در تثبیت حقوق شهروندی، در تثبیت وظایف و تکالیف شهروندی و در تعامل با مشارکت شهروندی و حمایت از شهروندان از دیدگاه سیاست شهری مطالبات و تقاضاهای نامحدود شهروندان از مدیریت‌های شهری، عمدتاً معطوف به چند مقوله اساسی است: اول، استفاده از منابع شهری؛ دوم، تأثیرگذاری بیشتر بر سازوکار تصمیم‌گیری‌های شهری؛ سوم، فراهم‌شدن سازوکارها و ترتیبات نهادی برای تحقق بیشتر مشارکت شهروندی در زندگی شهری؛ چهارم، تثبیت قانونمدارانه حقوق و وظایف متقابل شهروندان و مدیریت‌های شهری. از جمله پیامدهای مثبتی که تقویت، قانونمندکردن و عقلانی‌نمودن رابطه شهروندان و شهرداری‌ها دربر دارد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: بسط توانایی‌های



به شکل برابر و بدون تبعیض از مواهب شهری بهره‌مند شوند. برندهای شهری با ایجاد مزیت رقابتی تحقق این حقوق را تسهیل و تضمین می‌نماید. در این قسمت نقش برندهای شهری «شهر دوستدار کودک» و «شهر یادگیرنده» در میزان تحقق حقوق شهروندی از رهگذر وظایف و تعهدات نهادهای حاکمیتی چون شهرداری به چالش کشیده می‌شود.

۱-۲. **شهر دوستدار کودک (CFC):** کودکان یک‌سوم جمعیت فعال شهرها را تشکیل می‌دهند، لذا در تحقق حقوق شهری و شهروندی، جایگاه غیر قابل اغماضی دارند و به ویژه به سبب نیازمندی‌های خاص خود موضوع حقوق شهروندی و برندهای شهری نیز واقع شده‌اند، یکی از این برندها شهر دوستدار کودک (Child Friendly City) یونیسف است.

متخصصان، «شهر دوستدار کودک» را بخشی از یک گفتمان بزرگ‌تر به نام شهر فراگیر می‌دانند که در ادبیات جهانی به نام اینکلوسیو سیتی (Inclusive City) مشهور است و تأکید می‌کند که شهر فراگیر جایی است که برای همه اقشار و گروه‌های اجتماعی امن و ایمن است و بسترهای لازم برای حضور شاد و خلاق همه گروه‌ها، از جمله زنان، کودکان، گروه‌های توان‌خواه و توان‌یاب و گروه‌های آسیب‌پذیر را فراهم می‌کند. به موازات زمینه‌های تکامل دیدگاه شهروندی در سراسر قرن بیستم و توجه آن به کودکان در ادبیات جامعه‌شناختی، مباحث مستقلی مربوط به کودکان در حال طرح بود، اگرچه اعتقاد و توجه به حقوق و تجربه اجتماعی متفاوت کودکی به تدریج از قرن پانزدهم میلادی به بعد مطرح و زمینه‌ساز نهادی‌شدن تدریجی حقوق و موقعیت سیاسی و اقتصادی کودکان را در اشکال مختلف فراهم ساخت، اما از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم تدریجاً آموزش اجباری و همگانی کودکان، توجه ویژه به مراقبت‌های پزشکی و سلامتی آن‌ها و توجه به حقوق و نیازهای اجتماعی و فردی آن‌ها، کودکی را به عنوان یک مقوله جدید اجتماعی مطرح ساخت. در اواخر قرن بیستم و به ویژه با ورود به قرن بیست و یکم همزمان با تلاش‌های بین‌المللی برای حفاظت از دوران کودکی از جمله پیمان‌نامه حقوق کودک و ابتکار شهرهای

- مشارکت عمومی: تحقق برندهای شهری مستلزم وجود سیستمی برای تسهیل مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری برای ارتقای پاسخگویی محلی است.

- اثربخشی و پاسخگویی: دولت‌ها کلیه اقدامات قانونی، اداری و سایر اقدامات مناسب را برای اجرای حقوق شهروندی تا حداکثر منابع موجود خود و در صورت نیاز در چارچوب همکاری بین‌المللی انجام دهند.

- سازگاری و پایداری: ساختن شهری با نشان دوستدار کودک یا یادگیرنده نیازمند یک رویکرد مدیریتی انعطاف‌پذیر است تا بتوان شرایط متغیر را پیش‌بینی کرد و به آن پاسخ داد و در طول زمان پایدار بماند (۱۸).

شواری اروپا چهار رکن حکمرانی خوب محلی را عبارت از: ۱- احترام به ارزش‌ها؛ ۲- اخلاق و هدف؛ ۳- کار با هم برای رسیدن به یک هدف مشترک؛ ۴- رهبری تحول‌آفرین و تصمیم‌گیری آگاهانه و اخلاقی دانسته و ۱۲ اصل را برای آن بیان داشته است که ۲ اصل حاکمیت قانون و رعایت حقوق بشر، تنوع فرهنگی و وحدت اجتماعی در موضوع ما، قابل توجه می‌نماید. حاکمیت قانون به عنوان مهم‌ترین مسأله در کلیه فعالیت‌های دولت محلی است که نیاز به اتخاذ رعایت قوانین، آیین‌نامه‌ها، مقررات و قوانین قابل اجرا دارد. به همان اندازه که حکومت محلی می‌تواند نفوذ داشته باشد، حقوق بشر باید همیشه حفظ، احترام و اجرا شود. باید با همه اشکال تبعیض به ویژه در داخل خود دولت محلی مبارزه کرد. تمرکز بر دسترسی به خدمات ضروری، مشارکت اعضای محروم جامعه و تنوع فرهنگی باید همیشه ترویج و تشویق شود (۱۹).

۲. **نقش الزامات برندهای شهری در تحقق حقوق شهروندی:** شهروندان امروز نه تنها طرف حق و تکلیف هستند، بلکه مشارکت‌کننده، خلاق، ایده‌پرداز، مسئولیت‌پذیر و نظاره‌گر هستند و از حکومت و نهادهای شهری حقوق شهروندی خود را مطالبه می‌کنند. احترام به آزادی‌های فردی و حقوق شهروندی از سوی حاکمان به ویژه حاکمان محلی نشان از حرکت به سوی عدالت اجتماعی و احترام به جامعه مدنی است. شهروندان اعم از زنان، مردان و کودکان حق دارند

رشد و ارتقای ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی (اعم از امنیت، نشاط، سلامت و...) کودکان باشد.

اما لازمه تحقق این برند حمایت اجتماعی از سوی نهادهای شهری است. حمایت اجتماعی مجموعه‌ای از سیاست‌ها و برنامه‌ها با هدف پیشگیری و حمایت از همه افراد در برابر فقر، آسیب‌پذیری و طرد اجتماعی، در طول چرخه زندگی است. با تأکید بر گروه‌های آسیب‌پذیری چون کودکان چینی حمایت‌هایی را می‌توان از طریق بیمه‌های اجتماعی، پروژه‌های عمومی، خدمات اجتماعی و سایر طرح‌هایی که امنیت دسترسی به خدمات ضروری را تضمین می‌کنند، ارائه نمود. حکومت‌های محلی بخشی جدایی‌ناپذیر از حمایت یونیسف برای تحقق حقوق کودکان در داخل کشورها است. دستیابی به نتایج تعریف‌شده در اسناد بین‌المللی به ویژه کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، برای کودکان در سطوح ملی و محلی از طریق به کارگیری خدمات اجتماعی و حمایتی حکومت‌های محلی انجام می‌شود که در آن به زمامداری محلی به عنوان یک اصل برای توسعه پایدار محلی و تحقق حقوق کودک نمود می‌یابد. در این راستا امکان برنامه‌ریزی در مناطق روستایی و شهری، در نظر گرفتن تفاوت‌های کودکان و نیز امکانات محیطی، استفاده از مشاوره تخصصی حوزه کودک در مورد برنامه‌ریزی‌های شهری و ارائه راه حل‌های مناسب که برای کل پروژه و پلتفرم‌های مشارکت لازم است، از طریق برنامه‌ریزی‌های حکومت محلی انجام‌شدنی است. ابتکار شهرهای دوستدار کودک (CFCI) یک استراتژی مشارکت اختیاری در چارچوب برنامه‌ریزی توسط حکومت محلی در یونیسف است. این ابتکار تحت رهبری یونیسف از دولت‌های محلی و سایر ذی‌نفعان (محلی و ملی) و از جمله خود کودکان، در تحقق حقوق کودکان در سطح محلی با استفاده از کنوانسیون حقوق کودک به عنوان سند پایه حمایت می‌کند و نتایج به‌دست‌آمده، به ایجاد تغییرات لازم که در سند برنامه‌ریزی حکومت محلی اشاره شده است، کمک می‌کند (۲۱). بنابراین مفاهیم، حقوق کودک، زمامداری محلی، حق بر شهر و مدیریت شهری، مفاهیمی درهم‌تنیده هستند.

دوستدار کودک یونیسف، بسیاری از کشورها نیز تدوین قوانین مناسب برای صیانت از حقوق کودکان و توسعه شهرهای دوستدار کودک را آغاز کردند (۲۰).

۱-۱-۲. چيستی و مضمون شهر دوستدار کودک: شهر دوستدار کودک، به شهری اطلاق می‌گردد که منافع، نظرات، نیازها و حقوق کودک جزء لاینفک سیاستگذاری‌ها، برنامه‌ها و تصمیم‌های عمومی باشد. ابتکار شهر دوستدار کودک توسط صندوق ملل متحد برای کودکان (UNICEF) و برنامه اسکان سازمان ملل متحد (UN-Habitat) در سال ۱۹۹۶ مطرح گردید و بر اساس قطعنامه تصویب‌شده در دومین کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد سکونتگاه‌های انسانی برای تبدیل شهرها به مکان‌های قابل سکونت برای همه، راه‌اندازی شد که سیاست‌های شهری در تحقق حقوق کودکان در سطح محلی با استفاده از کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک به عنوان سند پایه آن حمایت می‌کند. هدف اصلی از این ابتکار در واقع این بود همه کودکان و نوجوانان باید بتوانند از کودکی و نوجوانی خود لذت ببرند و از طریق احقاق برابر حقوق خود در شهر و اجتماع محلی‌شان، توانایی‌های بالقوه خود را به طور کامل به فعل درآورند. شهر دوستدار کودک شبکه‌ای است که دولت و سایر ذی‌نفعان مانند سازمان‌های جامعه مدنی، بخش خصوصی، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و مهم‌تر از همه، خود کودکانی را که می‌خواهند شهرها و جوامع خود را دوستدار کودکان کنند، گرد هم می‌آورد و در واقع تلاشی است برای ارتقای کیفیت زندگی کودکان در شهرها مبتنی بر ارزش‌های بومی و با تأکید بر ابعاد رشدی کودکان و پرورش خلاقیت‌های آن‌ها (۱۸). در اسناد ملی نیز این اصطلاح به معنای نزدیکی با آنچه گفته شد، تعریف شده است، طبق بند ۲ ماده ۱ دستورالعمل شهرهای دوستدار کودک در ایران، شهر دوستدار کودک، شهری است که کودکان را در کانون توجه قرار داده و در جهت مناسب‌سازی، مطلوب‌سازی و بسترسازی از منظر کالبدی، اجتماعی و فرهنگی شهر برای فعالیت کودکان تلاش می‌نماید تا آن‌ها نیز مانند سایر شهروندان منطبق با نیازهایشان بتوانند در شهر زندگی کنند و زمینه‌ساز

۲-۱-۲. منابع و اصول شهر دوستدار کودک: مهم‌ترین سند بین‌المللی برای دستورالعمل‌های شهر دوستدار کودک یونیسف، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ است. در پرتو اصول آن یونیسف، اصول راهنمایی را به عنوان چارچوب اصلی شهر دوستدار کودک برای تحقق این اصول ارائه داده است. شهرها و جوامع در سراسر جهان از این چارچوب برای اطلاع‌رسانی کار خود در زمینه ساختن شهرها و جوامع دوستدار کودک، استفاده می‌کنند. برخی به طور مستقیم با یونیسف کار می‌کنند، برخی دیگر از این چارچوب به عنوان روشی الهام‌بخش استفاده می‌کنند. در اصول راهنمای یونیسف آمده شهر دوستدار کودک شهری است که کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل (CRC) را در سطح محلی اجرا می‌کند. اصول راهنمای ایجاد شهر دوستدار کودک منعکس‌کننده چهار ماده کلیدی کنوانسیون است:

۱- عدم تبعیض: حقوق همه کودکان بدون هیچ‌گونه تبعیضی صرف نظر از نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، منشأ ملی، قومی یا اجتماعی، دارایی، معلولیت کودک یا والدین یا قیم قانونی او، تولد یا وضعیت دیگر محترم است (ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک، ۱۹۸۹ م.)؛

۲- بهترین منافع کودک: بهترین منافع کودکان در تصمیماتی که ممکن است بر آنها تأثیر بگذارد، اولویت است و دولت مراقبت و حفاظت لازم برای رفاه آنها را تضمین می‌کند (ماده ۳)؛

۳- حق ذاتی زندگی، بقا و رشد: کودکان حق زندگی دارند و دولت متعهد به تضمین حداکثری حق آنها برای بقا و رشد سالم است (ماده ۶)؛

۴- احترام به نظرات کودک: کودکان حق دارند نظرات خود را بیان کنند و در تصمیماتی که بر آنها تأثیر می‌گذارد، به نظرات آنها توجه شود (ماده ۶ کنوانسیون) (۲۲).

دومین سند، اساسنامه شهرهای دوستدار کودک است که در سپتامبر سال ۲۰۰۰، به تصویب رسید و مطابق آن دبیرخانه جهانی شهرهای دوستدار کودکان ایجاد شد، تا حمایت‌های لازم را انجام داده و نیز مرجعی برای تحقق اهداف شهر

دوستدار کودک باشد. در ادامه این تلاش‌ها یونیسف در سال ۲۰۱۷ «بسته آموزشی ابتکار شهرها و جوامع محلی دوستدار کودک برای کمیته‌های ملی یونیسف» را به عنوان گامی در جهت پاسخ به درخواست‌های جدید برای راهنمایی و حمایت، عرضه کرد. این بسته آموزشی، ابزارهای آزمایش شده و تجربیات موفق کشورها را ارائه می‌دهد.

در سطح ملی نیز شهرهایی که تمایل دارند خود را بر اساس خواست یونیسف به شهر دوستدار کودک تبدیل نمایند، از دستورالعمل شهرهای دوستدار کودک که در ایران نیز توسط سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور در سال ۱۳۹۷ تدوین شده، استفاده می‌نمایند. این دستورالعمل جامع با عنوان دستورالعمل شهرهای دوستدار کودک در سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور تهیه و به شهرداری‌های سراسر کشور ابلاغ گردید. دستورالعمل فوق‌الذکر در نوع خود با توجه به رویکرد توانمندسازی نهادی (از طریق پیش‌بینی اداره/ واحدی به نام شهر دوستدار کودک در شهرداری‌ها) و همچنین یک شورای فرابخشی به نام شورای اجرایی شهر دوستدار کودک در ساختار و تشکیلات شهرداری‌ها، در تاریخ شکل‌گیری شهرداری‌ها بی‌بدیل بوده است. این امر البته بنا بود منجر به شکل‌گیری ظرفیت‌های مناسب در شهرداری‌ها برای تحقق اهداف شهر دوستدار کودک گردد. ضرورت وجود یک همگرایی ملی بین سازمان‌ها و وزارتخانه‌های ملی و همچنین نهادهای محلی در تهیه و اجرای برنامه‌های توسعه شهرهای دوستدار کودک با مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد و خود کودکان و نوجوانان احساس می‌شد که تهیه سندی فرابخشی و با قدرت قانونی بالا را مطرح نمود (۲۰).

اهداف شهر دوستدار کودک طبق ماده ۳ این دستورالعمل عبارت است از:

- ایجاد بسترهای لازم برای بروز استعدادها و خلاقیت‌های کودکان و نوجوانان در شهر.

- ارتقای جایگاه ملی و بین‌المللی شهرهای کشور به ویژه کلان‌شهرها در حوزه شهر دوستدار کودک.

- توسعه، نظارت، استانداردسازی، سطح‌بندی و نظام‌مندسازی فضاهای فعالیتی کودکان در شهر.

توسعه و عمران، دستگاه‌های اجرایی و شهرداری‌ها و ده‌بازی‌ها کاربرد دارد و لازم‌الاجراست. در همین سال «شيوه‌نامه اطلس شهری کودکان و نوجوانان»، در چارچوب دستورالعمل شهرهای دوستدار کودک، ابلاغی شهربورماه ۱۳۹۷، مشتمل بر ۱۵ فصل تهیه گردید و شهرداری‌ها موظف شدند به استناد آن نسبت به جمع‌آوری داده‌ها و مستندسازی آن‌ها در پایگاه‌های ویژه موضوع در محیط GIS و همچنین نگهداری و به روزرسانی آن‌ها به صورت دوره‌ای اقدام نمایند.

## ۲-۱-۳. وظایف شهرداری‌ها در تحقق حقوق کودک در

سیاق اجرای دستورالعمل شهر دوستدار کودک: اگر بخواهیم طبق قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ به تکالیف شهرداری در حوزه تأمین حقوق کودکان به عنوان شهروندان با نیازهای خاص بپردازیم، البته جز کلیات حاصلی در پی نخواهد بود، طبق ماده ۵۵ این قانون و به ویژه بندهای ۶ و ۲۱ در موضوع بحث این پژوهش می‌توان این وظایف را در ۵ حوزه احصا نمود: وظایف عمرانی، وظایف خدماتی، وظایف نظارتی و حفاظتی، وظایف رفاهی و مدیریت منابع، اما به طور اخص و مشروح وظایف و تکالیف شهرداری‌ها به عنوان حکومت‌های محلی در دستورالعمل شهرهای دوستدار کودک تهیه‌شده توسط سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور در سال ۱۳۹۷ آمده است: در اجرای بندهای ۶ و ۲۱ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها مبنی بر تأسیس و احداث ساختمان‌های مورد نیاز برای فضاهای بازی و باغ کودکان و کمک مالی به راه‌اندازی و مدیریت آن‌ها و مصوبه شورای عالی استان‌ها در مورد طرح شهر دوستدار کودک مورخ ۱۳۸۹/۹/۱۸ در زمینه تکلیف شهرداری‌های سراسر کشور برای مناسب‌سازی و ایمن‌سازی فضاهای عمومی، ایجاد راه‌های امن به مدرسه، الزام استفاده از صندلی مخصوص کودک در وسایل حمل و نقل عمومی و ایجاد مراکز مخصوص رفاهی ویژه کودکان شیرخوار، توسعه خانه‌های اسباب بازی، حمایت از کودکان اقشار محروم، شناسایی منابع و امکانات حمایتی مردمی از کودکان و مشارکت در برگزاری جشن‌های مرتبط با کودک در سطح شهر، بدین‌وسیله دستورالعمل شهر دوستدار کودک ابلاغ

زمینه‌سازی و تشویق مشارکت کودکان در مدیریت شهری، برنامه‌ریزی و طراحی شهری.

تأمین امنیت و ایمنی جهت حضور فعال و با نشاط تمامی کودکان و نوجوانان در شهر و افزایش فرصت‌های شادی و ملاقات کودکان با یکدیگر در شهر و محلات شهری.

کمک به ارتقای سلامت جسمی و روانی کودکان.

ایجاد انگیزه و تکریم و حمایت از سازمان‌ها و فعالان حوزه شهر دوستدار کودک.

توسعه و ارتقای کیفی بازیکده‌ها یا فضاهای بازی مطلوب برای کودکان در شهرها.

این اهداف با حمایت دولت‌های ملی و محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد، بخش خصوصی، رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و با همکاری یونیسف، قابلیت تحقق دارند و در حال حاضر بنا بر آمار یونیسف، بیش از ۳۰ میلیون کودک را در ۳ هزار شهر و جامعه محلی در بیش از ۵۸ کشور تحت پوشش خود قرار داده است.

در نهایت، سند الزامات و ضوابط عام شهر دوستدار کودک و سند پشتیبان آنکه با مشارکت بسیاری از فعالان حقوق کودک، صاحب‌نظران مجرب در حوزه کودک و همچنین وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های درگیر در موضوع کودک و نوجوان تهیه شد، در چهارمین جلسه شورای عالی شهرسازی و معماری کشور در سال ۱۴۰۰ تصویب و به تمامی دستگاه‌های دولتی و عمومی که از قوانین این شورا تبعیت می‌کنند، برای اجرا ابلاغ شد. اهمیت این سند فرابخشی و فراسازمانی توجه به محورهایی از جمله تقویت ظرفیت‌سازی‌های نهادی قبلی (ادارات/ واحدهای شهر دوستدار کودک و شورای اجرایی در دستورالعمل شهر دوستدار کودک)؛ لزوم انطباق طرح‌های توسعه شهری با نیازهای کودکان و نوجوانان و ارائه سازوکارهای توسعه محلات دوستدار کودک به عنوان نیروی محرکه شکل‌گیری شهر دوستدار کودک است (۲۰). در این مصوبه آمده است: مجموعه «الزامات و ضوابط عام شهر دوستدار کودک» به عنوان ملاحظات تحقق شهر دوستدار کودک برای تمامی مراجع تهیه، تصویب و نظارت بر طرح‌های

- برگزاری همایش‌ها، سمینارها، نشست‌ها و کنگره‌های علمی و آموزشی پیرامون شهر دوستدار کودک در مناسبت‌های مختلف اعم از هفته جهانی کودک و آغاز سال تحصیلی در اول مهر.

- برگزاری جشنواره‌ها، مسابقات و مراسم‌های فرهنگی و اجتماعی برای والدین و سایر شهروندان و ارائه آگاهی‌های لازم و دستاوردهای شهر در زمینه دستیابی به شهر دوستدار کودک.

- ارزیابی و پیشنهاد مناسب‌سازی و ارتقای کیفی فضاهای شهری و تلاش در جهت دوستدار کودک‌شدن شهر (در زمینه‌های حمل و نقل، مبلمان و زیباسازی، سیما و منظر و فضاهای فعالیتی کودکان و سایر فضاهای مشابه) و جلوگیری از ایجاد یا توسعه سازه‌ها و فضاهای ایجادکننده اختلال در فعالیت کودکان.

- تعامل و ارتباط مؤثر با سایر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و بخش غیر دولتی جهت پیشبرد برنامه‌ها و طرح‌های شهر دوستدار کودک.

در نهایت لازم است به برخی موارد لازم که در دستورالعمل شهرهای دوستدار کودک به عهده شهرداری‌هاست، اما متأسفانه در شهرهای پایلوت به علت در اولویت‌نبودن مسائل مربوط به کودک مورد غفلت واقع شده، اشاره نمود. طراحی و بازتولید فضاهای شهری، مبلمان شهری در دسترس برای کودکان، ایجاد فرهنگ‌سراها و بازیکنده‌های کودک، طراحی فضاهای ویژه کودکان از بابت رنگ و نور و تهویه، ناماسازی اماکن پرتردد کودکان، استانداردسازی فضاهای شهری و عمومی و فضای سبز، تعبیه فراگیر اتاق مادر و کودک در اماکن عمومی و نه‌تنها در پایانه‌ها و پارک‌های بانوان، تقویت اعتماد به نفس کودکان و آموزش از طریق پارک‌های موضوعی و مشارکت‌پذیری آنان و آشنایی با فرهنگ بومی، ایجاد محلات دوستدار کودک، فراگیرنمودن حق بر بازی و فراغت کودکان، تخصیص بودجه مناسب و ایجاد سیستم گزارش‌دهی کارآمد، همکاری با جامعه مدنی و تشکیل کلینیک‌های حقوقی و... همه و همه ویتترین‌های زیبایی هستند که در پس عدم تخصیص بودجه و عدم اولویت نمایندگان پارلمان شهری و کلیدداران شهر، محو و بی‌اثر می‌شوند.

می‌گردد. ماده ۲ این دستورالعمل، دامنه شمول اجرای آن را شامل شهرداری‌های سراسر کشور دانسته و در خصوص سطح و نوع فعالیت‌های مورد نظر اذعان می‌نماید، برنامه‌ریزی و مدیریت، نظارت بر طرح‌ها و برنامه‌ها و ارزیابی، فعالیت‌های ترویجی، آموزشی و امور پشتیبانی از برنامه‌ها و اقدامات مرتبط با شهر دوستدار کودک توسط شهرداری در همکاری با سایر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط صورت می‌پذیرد، لذا جهت اجرای مفاد دستورالعمل، ماده ۴، شورای اجرایی را با هدف سیاستگذاری و بسترسازی به منظور اجرای مفاد و راهبردهای تعیین‌شده در دستورالعمل با اعضای در شهرداری‌های کلان شهر و نیز شهرداری‌های شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر جمعیت به این شرح تعیین نموده است: معاون شهرسازی و معماری یا عنوان مشابه به عنوان رییس، مسئول/ کارشناس موضوعی حوزه شهر دوستدار کودک به عنوان دبیر، معاون/ مدیر خدمات شهری یا عنوان مشابه، مدیر/ رییس/ مسئول واحد روابط عمومی شهرداری، مدیر/ رییس/ مسئول سازمان یا واحد فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری، نماینده موضوعی شورای اسلامی شهر. بند ۳ این ماده وظایف و مأموریت‌های شورای اجرایی را چنین مصرح می‌دارد:

- تدوین اصول و فرآیندهای مکان‌گزینی، برنامه‌ریزی و طراحی بازیکنده‌ها و سایر فضاهای فعالیتی کودکان و نوجوانان مانند پارک‌های ترافیک با همکاری واحدهای ذی‌ربط شهرداری.

- پیگیری احداث، توسعه و ساماندهی انواع فضاهای ویژه کودکان و نوجوانان (انواع فضاهای بازی، ورزشی، فرهنگی و هنری) در شهر با ویژگی‌های خلاق و متنوع، در دسترس، ایمن و امن، کافی و پاسخده با هدف افزایش سرانه کاربری‌های مرتبط با کودک و نوجوان در شهر.

- تهیه گزارش‌های دوره‌ای از فعالیت‌ها و اقدامات انجام‌شده بر اساس دستورالعمل حاضر و ارسال گزارش‌های عملکرد به استانداری و سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور به عنوان ناظر عالی.

- برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی در راستای اهداف دستورالعمل با همکاری واحدهای ذی‌ربط شهرداری.

**۲-۱-۴. برنامه‌ریزی و طراحی شهر دوستدار کودک:**

برنامه‌ریزی و طراحی شهری ابزار تحقق اهداف شهر دوستدار کودک است و لازمه آن شنیده‌شدن صدای کودکان و مشارکت آنان در برنامه‌ریزی امور مربوط به آنان است. عزم جدی و مشارکت ثمر بخش نهادهای مکلف به مشارکت، پرهیز از جزیره‌ای عمل کردن و تنها درصدد بالابردن آمار و گزارش‌ها برآمدن به جای دست همت‌دادن، چنین پروژه‌هایی را از معنا تهی می‌نماید، لذا ماده ۵ دستورالعمل شهرهای دوستدار کودک، اصولی را که چارچوبی هدایت‌کننده برای تأمین نیازهای بازی کودکان و نوجوانان به صورتی امن، خالقانه و مفرح می‌باشند و باید در برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت تمامی فضاهای بازی و بازیکنده‌ها رعایت گردد جزء الزامات دانسته است: تضمین مشارکت کودکان و نوجوانان در تمامی فرایند برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت فضاهای دوستدار کودک، ایجاد یک بستر قانونی دوستدار کودک و اجرایی شدن آن از طریق دستورالعمل حاضر، دسترسی عادلانه و یکسان به انواع فضاها و امکانات بازی و حضور مفرح در شهر برای فراگیرکردن حقوق بازی امن و آزادانه کودک و نوجوان در تمامی شهر، ایجاد یک سیستم یا نهاد هماهنگ‌کننده برای تأمین حقوق کودکان و نوجوانان در شهر، ارزیابی برنامه‌ها و اقدامات انجام‌شده، تخصیص بودجه و گزارش‌دهی منظم شهرداری از فعالیت‌های خود به شورای اسلامی شهر به عنوان بخشی از پاسخگویی و شفافیت در قبال نحوه هزینه‌کرد بودجه، تلاش برای نهادینه‌سازی حقوق کودک و نوجوان برای بزرگسالان و والدین (در این زمینه سازمان/ معاونت/ مدیریت/ اداره/ گروه فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری‌ها یا متصدیان و شاغلین پست‌های سازمانی حوزه مذکور موظفند با همکاری واحد سازمانی شهر دوستدار کودک به عنوان متولی اجرای این دستورالعمل و ضمن هماهنگی با سایر سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی شهر، از جمله کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، بهزیستی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش و نهادهای غیر دولتی و مدنی تلاش‌های خود را بر فرهنگ‌سازی،

اطلاع‌رسانی و افزایش آگاهی‌ها در زمینه حقوق کودک و نوجوانان برای شهروندان متمرکز نماید) و اصل نهایی، حمایت از نهادها و انجمن‌های دفاع از حقوق کودکان در شهر است. در این خصوص شهرداری‌ها بر اساس بندهای ۶ و ۲۱ ماده ۵۵ قانون شهرداری، موظفند از نهادها و انجمن‌های دارای مجوز فعالیت حمایت‌های فنی و اداری و در صورت امکان حمایت مالی برای پیشبرد اهداف آن‌ها در راستای شهر دوستدار کودک را انجام دهند.

**۲-۱-۵. زمامداری محلی، حقوق شهری و شهر دوستدار**

**کودک:** همانطور که قبلاً به تفصیل گفته شد، حکمرانی محلی به نحوه اتخاذ و اجرای تصمیمات محلی اشاره دارد و شامل تصمیم‌گیری در مورد بسیج، اولویت‌بندی، تخصیص و استفاده از منابع عمومی برای ارائه است، اما در خصوص ابتکار شهرهای دوستدار کودک و ارتباط آن با حکمرانی محلی باید گفت، ابتکار شهرهای دوستدار کودک یک پلتفرم مشارکت تحت رهبری یونیسیف است که از شهرها و شهرداری‌ها در تلاش‌هایشان برای دوستدارشدن برای کودکان و دستیابی به نتایج برای کودکان در قلمروشان حمایت می‌کند. نیازهای کودکان زمانی که دولت‌های محلی متعهد می‌شوند، از طریق پلتفرم دوستدار کودک، در پی جلب برند شهر دوستدار کودک باشند، باید در برنامه‌ریزی حکمرانی محلی نمود یابد. بنابراین دولت(های) محلی با یونیسیف به عنوان شریک، قرارداد مشارکت رسمی منعقد می‌کند. رسمی کردن این مشارکت از طریق یک یادداشت تفاهم (MoU) صورت می‌پذیرد که شرایط و معیارهای همکاری را مشخص می‌کند. اغلب مشارکت با ساختارهای دولتی در سطح منطقه‌ای یا مرکزی برای افزایش تعهد و حمایت ایجاد می‌شود. به عنوان بخشی از مدیریت این ابتکار، دولت‌های محلی به هیأت شرکای کمیته‌های راهبری محلی درمی‌آیند که در آن طیف گسترده‌ای از بازیگران محلی در تدوین و اجرای ابتکار محلی درگیر خواهند شد. این مشارکت‌ها باید با شرکت شهرداری‌ها و مقامات محلی که دارای قدرت تصمیم‌گیری در مورد منابع و امکان مداخلات در بخش عمومی و نیز دارای ظرفیت کافی



می‌کند. این پیوندها، مشارکت را تقویت می‌کند و به توسعه ظرفیت‌ها می‌انجامد و ابزارهایی را برای تشویق و تشخیص پیشرفت‌های ایجادشده در ساخت شهرهای یادگیرنده به کار می‌گیرد. کار این شبکه بر اساس دو سند کلیدی است

- ۱- بیانیه پکن در مورد ساخت شهرهای یادگیرنده ( Beijing Learning Cities Declaration on Building Key Features )
- ۲- ویژگی‌های کلیدی شهرهای یادگیرنده ( Cities of Learning )

اعلامیه پکن در مورد ساختن شهرهای یادگیرنده بر نقش یادگیری مادام‌العمر در ارتقای شمول، رفاه و پایداری در شهرها را تأیید می‌کند و تعهدات دوازده‌گانه‌ای را اعلام می‌دارد (۲۳).

اسناد راهنما «شهر یادگیرنده» را شهری تعریف می‌کند که به طور مؤثر منابع خود را در هر بخش، برای ترویج یادگیری فراگیر از آموزش ابتدایی تا عالی بسیج می‌کند و با انجام این کار، توانمندی فردی، انسجام اجتماعی، شکوفایی اقتصادی و فرهنگی و توسعه پایدار افزایش می‌یابد. شهرها از نظر ترکیب فرهنگی و قومی، میراث و ساختار اجتماعی متفاوت هستند با این حال، بسیاری از ویژگی‌های یک شهر یادگیرنده برای همه مشترک است.

تعهدات دوازده‌گانه دولت‌ها طبق اعلامیه پکن در راستای تحقق شهر یادگیرنده عبارتند از: توانمندسازی افراد و ارتقای انسجام اجتماعی، افزایش توسعه اقتصادی و شکوفایی فرهنگی، ترویج توسعه پایدار، ترویج یادگیری فراگیر در نظام آموزشی، احیای یادگیری در خانواده‌ها و جوامع، تسهیل یادگیری در محل کار، گسترش استفاده از فناوری‌های نوین یادگیری، افزایش کیفیت در یادگیری، پرورش فرهنگ یادگیری در طول زندگی، تقویت اراده و تعهد سیاسی، بهبود حاکمیت و مشارکت همه ذی‌نفعان و نهایتاً تقویت گردآوری و بهره‌مندی از منابع (۲۳).

در تحقق شهرهای یادگیرنده همه اقدار جامعه نقش کلیدی دارند، اگر تصمیمات به روشی مشارکتی اتخاذ شود، شهروندان در ساخت شهرهای یادگیری مشارکت جدی خواهند داشت. در توسعه شهرهای یادگیرنده، مدیریت و مشارکت همه

برای اجرای وظایف هستند، اجرا شود. وابستگی‌های سیاسی ممکن است علاقه دولت‌های محلی را برای مشارکت در این فرآیند محدود کند، در شرایط سیاسی به شدت قطبی شده، اگر همه احزاب از آن حمایت نکنند، این ابتکار ممکن است با خطر سیاسی شدن مواجه شود. برای مقابله با این خطر، باید به دنبال اتحاد با بازیگران غیر حزبی بود. برای اطمینان از تعهد پایدار، تفاهم‌نامه توسط شورای شهر امضا می‌شود و تا با تغییر شهردار فرآیند با خطر توقف مواجه نگردد (۱۷).

## ۲-۲. شهر یادگیرنده (Learning Cities) ابتکار یونسکو:

ما در جهانی پیچیده و به سرعت در حال تغییر زندگی می‌کنیم که در آن هنجارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به طور مداوم در حال بازتعریف هستند. کاهش فقر، تقویت رشد اقتصادی و اشتغال، مدیریت تحولات جمعیتی، ارتقای تنوع و برابری، مقابله با تغییرات آب و هوایی، تضمین امنیت عمومی و پاسخ به شهرنشینی تنها برخی از چالش‌هایی است که ما با آن رو به رو هستیم که باید در سطوح مختلف حل شوند. در سطح بین‌المللی، این رهبران سیاسی هستند که وظیفه دارند تا چشم‌اندازهای روشنی برای صلح، رفاه و پایداری ارائه دهند. در سطوح منطقه‌ای و ملی، سیاستمداران باید چارچوب‌های قانونی مناسب را ایجاد کنند و در سطح محلی و شهروندی حکومت‌ها محلی با رویکرد به زماندارانه خود، تغییر را آغاز می‌نمایند. یادگیری مادام‌العمر می‌تواند پایه و اساس این تغییر را ایجاد کند، زیرا شهروندانی که دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های خود را در طول زندگی توسعه می‌دهند، برای کمک به جامعه برای غلبه بر چالش‌هایی که با آن مواجه است، توانمندتر هستند. توانمندسازی شهروندان برای یادگیری در طول زندگی به یک اولویت برای جوامع در سراسر جهان تبدیل شده است. یادگیری مادام‌العمر به عنوان زیربنای توسعه پایدار اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی نیز در مرکز مفهوم شهر یادگیرنده یونسکو قرار دارد.

برای حمایت از اجرای یادگیری، مؤسسه جهانی یونسکو برای یادگیری مادام‌العمر (UIL) تأسیس شده است. شبکه شهرهای یادگیرنده گفتگو و یادگیری را در میان شهرهای عضو ترویج

ذی‌نفعان را از طریق: ایجاد مکانیسم‌های هماهنگی بین بخشی برای مشارکت سازمان‌های دولتی و غیر دولتی و بخش خصوصی؛ توسعه مشارکت‌های دوجانبه یا چندجانبه بین بخش‌ها به منظور اشتراک منابع و افزایش در دسترس بودن فرصت‌های یادگیری و تشویق همه ذی‌نفعان برای ارائه فرصت‌های یادگیری با کیفیت و مشارکت منحصر به فرد شهروندان در ایجاد یک شهر یادگیرنده، انجام می‌شود. اینجا نقطه اتصال ما به حقوق شهری و شهروندی است.

**۲-۱-۲. تقویت و تأمین حقوق شهروندی در شهر یادگیرنده:** شهر یادگیرنده شهری است که سیاست‌ها و شیوه‌هایی را توسعه می‌دهد که از طریق آموزش، پیشرفت و توسعه پایدار را در مدیریت شهری تقویت می‌کند. امروز نه تنها مفهوم آموزش از یادگیری سواد و نظام‌های آموزشی رسمی فراتر رفته است، بلکه این امر صرفاً از طریق نهادهای رسمی آموزشی صورت نمی‌پذیرد، بلکه تمام محیطی که ما در آن زندگی می‌کنیم، وظیفه آموزش را بر عهده دارند؛ آموزش شهروندی، آموزش در محیط کار، آموزش قوانین، رفتارهای اجتماعی و سایر مواردی که باید به صورت مداوم و مستمر فراگرفته شود تا سواد اجتماعی و کالبدی ما ارتقا پیدا کند، در شهر اتفاق می‌افتد. اولین چیزی که باید در شهر یاد بگیریم، گفتگو و تعامل سازنده است؛ تعامل بین شهروند و شهر، بین مسئولین شهری و شهروندان و شهروندان با یکدیگر، همه این موارد یک فرآیند یادگیری دارد. در شهری که گروه‌های مختلف انسانی با صبغه‌های فرهنگی متنوع با هم زندگی می‌کنند، آموزش و یادگیری جمعی و مادام‌العمر باعث تقویت مفهوم اجتماع می‌گردد.

از آنجایی که هدف شهرهای یادگیرنده ایجاد تعامل بین شهروندان، ارتقای مشارکت مردمی، بهره‌مندی از منابع و تجهیز شهر برای یادگرفتن و یاددادن است، ایجاد یادگیری مادام‌العمر نیازمند رشد شبکه شهروندان یادگیرنده است که تنها با تغییر رفتار به سمت یادگیری مستمر و مادام‌العمر ایجاد کند. مشارکت فعال شهروندان در گرو وجود شهرداری یادگیرنده است. شهرداری است که باید فرهنگ یادگیری

شهروندی را ایجاد و امکان دسترسی به آموزش را برای همه فراهم کند. در این فرآیند نیز محله‌محوری اساس کار است، نیازهای محلی از طریق مشارکت شناسایی می‌شود و برنامه‌های لازم برای تحقق شهر یادگیرنده تدوین می‌گردد. مسأله‌ای که اغلب در مفاهیم شهر یادگیرنده مغفول می‌ماند، این است که شهرداری به عنوان متولی تحقق شهر یادگیرنده آیا خود نباید نهاد یادگیرنده‌ای باشد؟ به زعم نگارنده نه تنها شهرداری‌ها در شهر یادگیرنده نقش رهبری، هماهنگی و توسعه راهبردی را بر عهده دارند، بلکه قبل از هر چیز باید خود و نهادهای تابعه و کارمندان در سطوح مختلف را در عمق فرایند یادگیرندگی وارد نماید. این روند به شرکت در کلاس‌های آموزش ضمن خدمت یا فناوری ارتباطات محدود نمی‌شود، بلکه از آموزش حقوق شهروندی، اخلاق حرفه‌ای، بهبود فرآیندها، استانداردسازی فرآیندها و شبکه‌سازی تا سواد رسانه‌ای تنوع دارد.

به همین دلیل است که یونسکو مرجع درخواست برای ورود به شبکه جهانی شهرهای یادگیرنده را شهرداری‌ها تعیین نموده است و بیان داشته برای پیوستن به این شبکه، شهرداری باید چشم‌انداز ارائه آموزش مادام‌العمر و تبدیل شدن به یک شهر یادگیرنده را با روح ارزش‌ها و اهدافی که یونسکو را در راستای گفتگو و همکاری بین‌المللی هدایت می‌کند، دنبال کند. راهبردهای تعیین شده در اسناد کلیدی، اعلامیه پکن در مورد ساخت شهرهای یادگیرنده و ویژگی‌های کلیدی شهرهای یادگیرنده، باید در درخواست عضویت منعکس شده و توسط شهردار شهر که نیاز به تأیید درخواست عضویت دارد، اتخاذ شود. شهردار باید فرم درخواست عضویت را تکمیل کرده و برای تأیید به کمیسیون ملی یونسکو ارسال کند. علاوه بر این، اعضا موظفند هر دو سال یک بار گزارش پیشرفت پروژه شهر یادگیرنده خود را به تیم هماهنگی یونسکو (GNLC) ارسال کنند (۲۴).

پس از این مرحله می‌توان از اینکه هر شهروند فرصت آموزش و کسب مهارت‌های اولیه را دارد اطمینان حاصل کرد. تشویق و توانمندسازی افراد برای مشارکت فعال در زندگی عمومی

شهروندان، نظارت و ارزیابی مناسب، پیشرفت و تأمین مالی پایدار و مطمئن و دیگر دستورالعمل‌های مفصل برای ساخت شهرهای یادگیرنده، با مشورت کارشناسان بین‌المللی از هر پنج منطقه یونسکو تهیه شده است، هدف این دستورالعمل ارائه راهکارهای استراتژیک به شهرها برای ایجاد شهرهای یادگیرنده پویا و پایدار است.

دستورالعمل‌ها به شش زمینه اصلی تقسیم می‌شوند: ۱- ایجاد یک ساختار هماهنگ؛ ۲- مشارکت همه ذی‌نفعان؛ ۳- شروع و حفظ فرآیند با رویدادهای شهری؛ ۴- اطمینان از یادگیری قابل دسترس برای همه شهروندان؛ ۵- ایجاد یک فرآیند نظارت و ارزیابی؛ ۶- اطمینان از بودجه پایدار. شهرداری به عنوان حکومت محلی و شورای شهر به عنوان پارلمان شهری، بهترین عرصه برای تصمیم‌گیری و اجرای اهداف فوق‌الذکر هستند با ارجاع به ماده ۵۵ قانون شهرداری، بسیاری از الزامات شهر یادگیرنده ملاحظه می‌گردد، از سال ۱۳۴۴ با لحاظ تمامی اصلاحات و آیین‌نامه‌ها، تحول در فرآیندهای شهری در شهرداری‌های ایران در ابتدای راه است.

شخصیت شهرداری منبعث از اراده عمومی است، بر اساس اصل ۱۰۰ قانون اساسی کشور، برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و رفاهی، از طریق همکاری مردم، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. طبق قانون شهرداری، شهرداری قانوناً مکلف به برآوردن نیازها و حوائج عمومی جامعه شهری است.

این نقش‌ها و کارکردها را اراده عمومی بر عهده شهرداری قرار داده و در نتیجه هرگونه تخطی از آن‌ها در حکم تخلف از حقوق عمومی و نقض آن است. در واقع آنچه قانون بر عهده شهرداری گذاشته، نوعی نمایندگی حقوق عامه است. شخصیت حقوقی شهرداری موجب می‌شود امکان تخطی از آن فراهم نیاید، اما متأسفانه اگر یک شخصیت حقوق عمومی تکلیفی را به انجام نرساند و این ترک تکلیف، سبب تعطیل‌ماندن حقوق ملت یا شهروندان گردد، چاره‌اندیشی حقوقی نشده است (۲۵).

شهروندان باید از خود نهاد متولی این امر آغاز گردد. از سوی دیگر شهرهای یادگیرنده سیاست‌ها و شیوه‌هایی را توسعه می‌دهند که آموزش، پیشرفت و توسعه پایدار را در مدیریت شهری تقویت می‌کند. در طول حیات شهری وقتی دولت‌های محلی، جوامع اجتماعی را برای مشارکت در اجرای استراتژی‌ها و برنامه‌های یادگیری مادام‌العمر توانمند کنند، آنگاه فرهنگ یادگیری مادام‌العمر برای همه ترویج می‌یابد.

بنا بر نظریه هابرماس (Habermas) در مشارکت و شهروندی نیز باید گفت، در حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد نقش شهروندی پیدا می‌کنند. در نقش شهروندی، فرد به عنوان عضو تمام جامعه خود می‌گردد و شأن حقوقی ویژه‌ای دارد. حوزه عمومی عرصه‌ای است که در آن فرد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند. در چنین حوزه‌ای اصول برابری و امکان دسترسی، اصولی غیر قابل حذف هستند. حوزه عمومی برخلاف نهادهایی که تحت سلطه خارجی قرار دارند یا دارای روابط قدرت درونی هستند، از اصول مشارکت و نظام دموکراتیک نوید می‌دهد (۲۵). بنابراین شهروندان نیز در چنین روندی تکلیف دارند. شهر یادگیرنده شهری است که شهروندان آن با احساس مسئولیت شهروندی ضمن مشارکت در امر تولید و توزیع دانش، موفقیت را در گرو داشتن مهارت‌های دانشی نوشونده دانسته و مسئولیت شهروندی را در مشارکت فعال در این فرآیند می‌دانند. تمام ساختارهای اجتماعی و شهری در شهر یادگیرنده به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به تسهیل این مشارکت می‌انجامد. در جامعه یا شهر یادگیرنده هر فعالیت یا پروژه شهری باید ماهیت آموزشی داشته و در کنار پیوست‌های توجیهی مختلفی که دارد، مثل توجیه اقتصادی، زیست‌محیطی، اخلاقی و... پیوست توجیهی آموزشی نیز داشته باشد، به این معنا که پروژه بتواند کارکرد آموزشی خود را نیز تبیین نماید (۲۶).

## ۲-۲-۲. نقش شهرداری در تحقق برند شهر یادگیرنده:

ساختن شهر یادگیرنده یک حرکت جمعی و ادامه‌دار است و مستلزم یک برنامه عملی مشخص با مشارکت همه ذی‌نفعان می‌باشد. دسترسی آسان و تجربه‌های لذت‌بخش برای همه

به نظر نگارنده درک صحیح از اینکه با اجرای برندهای شهری چه چیزی در انتظار شهر است، گام اولیه برای مدیران شهری است. هدف این است که شهر را در جهت تلاش برای ایجاد شهرهای یادگیرنده پویا و پایدار و پیشبرد آموزش و فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه و در مسیر درست هدایت کنیم.

ساخت یک شهر یادگیرنده نیازمند پایه‌های قوی و دیدی روشن نسبت به گذشته، حال و آینده است. به دست‌آوردن چنین دیدی نیازمند منابع دقیق، تشکیل گروهی از کارشناسان شهری و خصوصاً برنامه‌ریزی درست و مناسب می‌باشد. یک برنامه منسجم که بر اساس ظرفیت‌ها و نیازهای شهری ترسیم شده، شرکای ثابت و پایداری را در تحقق برنامه‌های شهری فرا می‌خواند، اما این برنامه‌ریزی تنها در یک مرحله و در یک زمان خاص محدود نمی‌شود و پیوسته نیازمند بازبینی و ایفای تغییرات مطابق با شرایط حال و آینده شهر است. تیم کارشناسان که متشکل از مسئولین و سیاستگذاران شهری و نمایندگان ذی‌نفعان، مشارکت‌کنندگان علمی و اجرایی و شرکای تجاری شهرداری‌ها هستند، در ابتدا می‌بایست لیستی از اقدامات انجام‌شده در حوزه‌های گوناگون را در سال‌های اخیر تهیه نماید، سپس به تهیه چالش‌های حال حاضر و پیش روی شهر بپردازند و در نهایت به تعیین اولویت‌ها اقدام نمایند و آن‌ها را در دستور کار قرار دهند. این اقدام اهداف را روشن می‌سازد و به شرکا اجازه حضوری مؤثر و کارآمد در فعالیت‌های شهری را می‌دهد. دسته‌بندی اقدامات برای رسیدن به اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت نقشه راه را تبیین می‌کند، بدین‌منظور تهیه یک برنامه اقدام برای در نظرگرفتن برنامه‌های متناسب با اهداف ضروری می‌نماید، چراکه در این برنامه منابع، ذخایر و چالش‌های موجود به شیوه‌ای نظام‌مند بررسی می‌گردد و خروجی آن دستیابی به رفاه بیشتر شهروندان و حل تدریجی موضوعاتی همچون فقر و بیکاری خواهد بود. دو مرحله اساسی در برنامه‌ریزی باید لحاظ شود:

۱- تشکیل دقیق گروه کارشناسان متشکل از نمایندگان شهرداری، مؤسسات معتبر علمی و دانشگاهی، سازمان‌های ذی‌نفع، شرکای تجاری و... تبیین مسئولیت‌ها و وظایف هر فرد در گروه به منظور تشخیص دقیق چالش‌ها، اقدامات انجام‌شده و انتخاب مناسب برنامه‌های پیش رو و در نهایت بررسی و تشخیص اینکه آیا این برنامه‌ها و رویدادها در دسترس همه اقشار جامعه قرار خواهد گرفت و مشارکت آن‌ها را به دنبال خواهد داشت. نظارت بر حسن انجام وظایف محوله به اعضای تیم کارشناسان باید توسط گروه نظارت و ارزیابی به طور پیوسته انجام شود.

۲- برنامه‌ریزی و یافتن چالش‌ها بر حسب ایده‌ها و تفکرات جمعی: در این مرحله بررسی و تعمق بر روی چالش‌های زندگی شهروندان ضروری است. هر جامعه‌ای بسته به ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و چالش‌های همان شهر منحصر به فرد است. برنامه‌ها و رویدادها بسته به ویژگی‌های زیست‌محیطی، بهداشتی، جغرافیایی، ارتباطی و اجتماعی شهر باید تبیین شوند. برخی از این ویژگی‌ها به مرور زمان و یا با تغییرات ناگهانی مثل بلایای طبیعی در شهر دستخوش تغییرات می‌گردد. در نتیجه بازبینی و مرور مجدد استراتژی‌ها و برنامه‌ریزی در همه حال باید در نظر گرفته شود. بنابراین از مؤلفه‌های مهم در برنامه‌ریزی انعطاف‌پذیری، داشتن ذهنی باز، برگزاری رویدادهای متنوع و متناسب و در نهایت نظارت و ارزیابی است (۲۷).

از دیگر وظایف شهرداری‌ها، تعامل با نهادهای متولی آموزش‌های رسمی و غیر رسمی از ضرورت‌های تحقق مؤلفه‌های برند شهر یادگیرنده است. منتفعان این مشارکت عموم شهروندان هستند و شهرداری به عنوان متولی امور فرهنگی و آموزشی شهر نیز دخیل در فعالیت‌های مورد توجه شهر یادگیرنده می‌باشد. تعامل شهرداری با دانشگاه در این موارد می‌تواند نمود یابد: استفاده از ظرفیت‌های کانون‌های دانشجویی و دانشجویان مستعد در سطح محلات برای انجام فعالیت‌های آموزشی، راه‌اندازی خانه‌های علم و ساده‌سازی علوم برای شهروندان، تبادل اطلاعات بین شهرهای یادگیرنده

۳-۱. **رویکرد نوین رژیم شهری:** در اهداف برنامه‌ریزی در شهرسازی و قوانین آن ارتقای عدالت اجتماعی، حفظ آزادی‌های فردی و جلوگیری از تجزیه حقوق شهروندان در فرایندهای شهرسازی، باید هم از نظر فنی و هم حقوقی مد نظر باشد. حلقه رابط همکاری در راستای اهداف فوق در گرو بنای رژیم شهری است. رژیم شهری نحوه همکاری غیر رسمی دولت با عوامل بخش خصوصی، در راستای اتخاذ و اجرای تصمیمات مدیریتی و دستیابی به تأثیرات ماندگار در حوزه‌های کلیدی سیاست است، این مفهوم روشی تازه برای تحصیل نحوه اعمال قدرت بازیگران در سیاست شهری است. استاد مدرسه مدیریت عمومی و مطالعات شهری دانشگاه ایالتی سن‌دیگو در سال ۲۰۰۵ مفهوم نظریه رژیم شهری را که از سال ۱۹۸۰ ارائه شده بود، مورد تحلیل قرار داد و نتیجه آن اعلام این نظر بود که: رژیم شهری حاصل همکاری حکومت‌های محلی و عاملان بخش خصوصی برای اتخاذ و اجرای تصمیمات مربوط به اداره شهر است که در آن مقامات شهرداری باید نفع مشترک را در نظر گیرند (۲۸).

در رژیم شهری که به نظر می‌رسد مخرج مشترک تکالیف شهروندان و مدیران شهری در جریان تحقق حق بر شهر و حقوق شهروندی است، سهم و نقش شهرداری که حلقه پیوند و اتصال نظام مدیریت شهری و نظام حقوق شهری است، اهمیت خاصی دارد. اهمیت حقوق شهری تنها در تدوین قواعد و مقررات راجع به برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری نیست، بلکه بررسی تأثیرات مثبت ناشی از قانونمندی زندگی شهری در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری از دیگر نکات مهم تحقق آن است. حقوق شهری از یکسو با قوانینی چون قانون شهرداری، قانون نوسازی و عمران شهری، قانون نظام مهندسی کنترل ساختمان، مقررات مربوط به سیما و منظر شهری، قوانین مربوط به فضای سبز و... سروکار دارد و از سوی دیگر با مداخله‌گران در نظام شهرسازی و مدیریت شهری نیز دست به گریبان است، مراجعی چون، شورای اسلامی شهر، شهرداری، شورای عالی شهرسازی و معماری، سازمان نظام مهندسی و کنترل ساختمان و استانداری و فرمانداری، اما این

در سطح ملی و بین‌المللی، طراحی و تولید محتوای آموزشی و یادگیری توسط دانشگاه، بهره‌گیری از ظرفیت‌های پایان‌نامه‌ای دانشگاه جهت انجام پروژه‌های مطالعاتی شهرداری، تأسیس مرکز تأیید طرح‌های اجرای شهری متشکل از کارشناسان علمی نهادهای اجرایی و دانشگاه، استفاده از ظرفیت‌های علمی و فکری دانشگاه در بخش طراحی، مشاوره، نظارت و ارزیابی پروژه شهر یادگیرنده و راه‌اندازی کارگروه‌های مشترک و اتاق‌های فکر با دانشگاهیان (۲۶). حاصل این همکاری را می‌توان در این حوزه‌ها یافت: رشد و بلوغ اجتماعی و یادگیری شهروندان، توسعه فعالیت‌های فرهنگی در شهر، توسعه انجمن‌ها و شبکه‌های علمی و فرهنگی، تصمیم‌گیری‌های علمی و مطلوب‌تر در سطح شهر، افزایش تعاملات دانشگاه و شهرداری، افزایش مسئولیت اجتماعی شهروندان سایر دستگاه‌های اجرایی برای توسعه یادگیری، تعالی فضا و منظر شهری و توسعه فضای یادگیری و ایجاد ضمانت ارائه پیوست آموزش شهروندی برای همه پروژه‌های شهر یادگیرنده (۲۶).

۳. **مدیریت شهری، حقوق شهروندی و حق بر شهر:** در مباحث حقوق شهری آنچه از بعد داخلی و بین‌المللی اهمیت دارد، ارتباط مؤثر میان حقوق شهری، زندگی شهری و مدیریت شهری است. اگر نظام مدیریت شهری را فرایندهای سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، سازماندهی و نظارت بر اداره امور شهر و شهرداری به شمار آوریم، حقوق شهری درصدد قانونمندی کردن فرایندهای نظام مدیریت و مبین وظایف و تکالیف متقابل شهرداری و شهروندان است. هدف این روندهای قانونی و اجتماعی نهایتاً به سامان‌رسانیدن زندگی شهری و فعالیت‌های شهرداری و شهروندان است تا در راستای عدالت اجتماعی، توسعه پایدار و نیل به حقوق شهروندی عمل نمایند. برای تحقق مدیریت شهری نوین که زمینه‌ساز تحقق برندهای شهری باشد، دو نکته قابل تأمل است: اول رویکرد نوین رژیم شهری؛ دوم اینکه برندهای شهری چگونه به مدیریت شهری یاری می‌رساند و در قبال این کمک مدیریت شهری چه تکلیفی در برابر آن دارد.

مکانی برای تمرین مشارکت کودکان و شهروندان در امور مربوط به خودشان است. همان واسطه‌ای که سبب تقویت مدیریت شهری می‌گردد.

در این راستا برنامه‌ریزی حکومت محلی باید مبتنی بر شناسایی اولویت‌ها از پایین به بالا و دارای شرایط خاص باشد و منعکس‌کننده مسائلی باشد که در بافت‌های مختلف شهری مانند مناطق دورافتاده، از جمله زاغه‌های شهری و سکونتگاه‌های غیر رسمی شهری با آن مواجه می‌شوند. در عین حال، باید با استفاده از مؤلفه‌های مشترک قابل اجرا برای همه سیستم‌های حکومت‌داری محلی، این برنامه‌ریزی‌ها باید به دنبال حمایت از برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی، تأمین مالی خدمات و تقویت پاسخگویی، یکپارچه باشد (۲۱).

به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع انسانی و مادی با نگاه علمی به نحوه کارکرد و مشارکت عمومی و همچنین بخش خصوصی در بازسازی و اجرای طرح‌های جامع شهری تنها راه دستیابی به اقتصاد پایدار در حوزه مدیریت شهری است. این مسأله محقق نخواهد شد، مگر بر پذیرفتن شاخص‌ها معیارهای مندرج در مدیریت دانش شهری و در قالب شهر یادگیرنده و شهر خلاق. این دو برند بیش از هر برند شهری دیگری مشارکت شهروندان و به کارگیری مؤثر از منابع مالی را تضمین می‌نمایند.

مهم‌ترین ویژگی شهرهای یادگیرنده را باید در فرایند جهانی‌شدن به ویژه در حوزه سبک زندگی و اقتصاد شهری جستجو نمود. نگاه به شهر به مثابه خانواده لزوم تقسیم وظایف از یکسو و برخورداری از حقوق از سوی دیگر را به ذهن متبادر می‌کند. انسجام اجتماعی و فرهنگی میسر نخواهد شد، مگر با رضایت عمومی، لذا به مقوله توانمندسازی شهرها در مواجهه با بحران‌ها و مسائل پیش رو تأکید دارد و آن را در مفهوم حس برابری (جنسیتی، قومیتی، مذهبی و...) در برخورداری از تسهیلات شهری جستجو می‌کند. شهر پایدار و پویا باید در کانون یادگیری مادام و همیشگی قرار بگیرد و با بومی‌کردن شاخص‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این امکان را برای شهر به وجود آورد (۲۹).

تنها بعد سنتی ماجرا است. مدیریت شهری امروز باید موارد جدیدتری را به حوزه حقوق شهری بیافزاید: برندسازی شهری. از آنجا که شهرسازی با مفهوم همزیستی و همگرایی تنیده شده و هدف برندهای شهری مورد بحث نیز از موضوعات حقوق طبیعی است که با فطرت اجتماعی بشر در هماهنگی است این مفاهیم جدید به آسانی در جریان حقوق شهری وارد می‌شوند. از سوی دیگر رکن مهم حقوق شهری و اجرای فرآیند تصمیم‌گیری شهری در گرو جلب منافع همگانی و مشارکت شهروندان است که باید دید تصمیم‌سازان شهری تا چه میزان در آن توفیق یافته‌اند.

### ۳-۲. مزایای متقابل تحقق برندها و مدیریت شهری:

حال باید دید برندهای شهر دوستدار کودک و یادگیرنده چطور به مدیریت شهری و بازآفرینی رژیم شهری یاری می‌رساند و در قبال این کمک، مدیریت شهری چه تکلیفی در برابر آن دارد. در مورد وظایف و تکالیف شهری، البته سخن گفته شد، اما فراموش نکنیم قوانین اغلب قدیمی و محدود با مفاهیم نوین، هماهنگی کامل ندارد و باید به دنبال ایجاد رویه و عرف‌های محلی در این‌باره بود.

یونیسف اجرای الزامات شهر دوستدار کودک را باعث اثربخشی بین بخشی در برنامه‌ریزی مدیریت شهری و بهبود و تقویت یکپارچگی این مدیریت می‌داند. از آنجایی که یک رویکرد چندبخشی در سطح محلی در دستورالعمل شهر دوستدار کودک اندیشیده شده، این رویکرد امکان افزایش شیوه‌های مناسب علمی در تقویت سیستم و ظرفیت‌سازی، هماهنگی ارائه خدمات، تغییر رفتار و مشارکت جامعه را فراهم می‌کند. یک اصل مهم برای برنامه‌ریزی، استفاده از دیدگاه جامع محله محور برای برنامه‌ریزی حکمرانی محلی با فراتر رفتن از مرزهای اداری، با هدف ارائه راه حل‌های مؤثر برای مشکلات محلی است. این امر درک نیازها و محرومیت‌هایی را که کودکان و خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند، امکان‌پذیر می‌سازد و راه‌حل‌های مشترکی را برای کل مناطق ارائه می‌کند، لذا ابتکار شهر دوستدار کودک، ایجاد بازیکده‌ها و فرهنگسراها یا خانه‌های محلات را پیشنهاد می‌کند این جوامع کوچک محلی،



می‌کنند که به عنوان ارکان دموکراسی شهری و تضمین‌کننده حقوق شهروندان از آنان یاد می‌شود. این ارکان باید پاسخ‌گوی مطالبات شهروندان نیز باشند. سیاستگذاری پارلمان‌های شهری در تحقق برندهای شهری باید حاوی این رؤس باشد: تکیه بر رویه تمرکززدایی، اتحاد رویکرد امنیت انسانی و توسعه پایدارمحور، تضمین مشارکت حداکثری شهروندان و حمایت از برابری شهروندان در انتفاع از حقوق شهری و شهروندی. بنابراین برندهای شهری، مدیریت جدید منابع، اولویت‌بندی در هزینه‌ها، جلب مشارکت عمومی و همچنین بخش خصوصی، محله‌محوری و به زمامداری محلی را در مدیریت شهری تقویت می‌کنند و از سوی دیگر خواستار ایفای تعهدات حکومت محلی در تحقق الزامات خود با رویکرد عدالت اجتماعی و توسعه پایدار هستند.

**۴. چالش و موانع اجرای برندهای شهری با تکیه بر نمونه‌های ایرانی:** تغییر جمعیت به سمت زندگی در مناطق شهری و چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط، ما را وادار می‌کند تا در طراحی شهرهایمان تجدید نظر کنیم و در نقش‌ها و مسئولیت‌های جمعی خود و همچنین نقش حاکمان محلی خود بازنگری صورت دهیم. نقش هر یک از شهروندان در ایفای وظایف شهروندی خود وابسته به تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های مدیریت شهری است، در شهرهایی که نام پایلوت برندهای شهری را یدک می‌کشند تا از قافله رقابت بازمانند، چنانچه زیرساخت لازم و اولویت ذهنی مدیران شهری وجود نداشته باشد، همه تلاش‌ها محکوم به شکست خواهد بود. وضعیت شهرنشینی و شهروندان سال‌هاست از مدار سنتی آن خارج شده، اما در شهرهای ما حتی همان نگرش سنتی نیز توفیقی در تحقق الزامات شهرهای دوستدار کودک و یادگیرنده نداشته است.

برای اولین بار در تاریخ است که اکثریت جمعیت جهان در مراکز شهری، بزرگ، متوسط و کوچک زندگی می‌کنند. از ۴ میلیارد نفری که امروزه در مناطق شهری زندگی می‌کنند، نزدیک به یک‌سوم آن‌ها کودک هستند. تخمین زده می‌شود که تا سال ۲۰۵۰، تقریباً ۷۰ درصد از کودکان جهان در

آنچه بیش از همه مورد تأکید این پژوهش بوده، این است که رویکردها در حقوق شهری و شهرسازی را باید از سازه محوری، قوانین مربوط به تراکم و کمیسیون‌های شهرداری به سمت ساخت شهر قابل زیست برای همه انسان‌ها با فرهنگ‌ها و سلاقی مختلف سوق داد. شهری که در آن شهروندان با آگاهی از هویت جمعی، فرهنگ و تاریخ خود و همچنین تأکید بر حقوق شهروندی می‌توانند نقش بی‌بدیلی در میزان مشارکت و مطالبه‌گری در حیطه قانون و چارچوب مدیریت شهری ایفا نمایند. به طور مثال در پروژه شهر یادگیرنده، سطح سواد شهروندان باید روندی افزایشی را طی کند و شهروندان به مشارکت در فعالیت‌های آموزشی و یادگیری ترغیب شوند، اما رسیدن به این مهم نیازمند بهره‌مندی از منابع قوی است. منابعی که تنها محدود به منابع مالی نمی‌شود. دستیابی به تمامی منابع در ابتدا مشکل به نظر می‌رسد، اما شهرداری باید روش‌های تأمین چنین بودجه‌های را در برنامه‌ریزی‌های خود پیش‌بینی نماید. این همان پاشنه آشیل برندهای شهری در اکثر شهرهای ایران است.

اولویت‌یافتن مفاهیمی چون حقوق شهری کودکان و یادگیری مادام‌العمر در کنار بودجه‌های عمرانی، راه را برای استفاده از بودجه‌های شهرداری فراهم می‌کند، ضمن اینکه می‌توان از بودجه‌های دولتی و رسمی نیز استفاده کرد. شرکای تجاری پروژه‌های شهری در بخش خصوصی می‌توانند تأمین‌کننده منابع انسانی، تجهیزاتی، فضاهای یادگیری و... باشند. در خصوص تأمین منابع مالی نیز می‌توان از مکانیزم‌های مختلفی بهره برد: مکانیزم تقسیم هزینه، بودجه‌های مکمل، جذب اسپانسر، ارتباط با خیرین، بخش خصوصی و...

اما از دیگر سو شهرداری، مؤسسات و شرکت‌های وابسته، وظایف اجرایی، رفاهی، مدیریت منابع، امور اجتماعی و آموزشی را باید به نحوی مدیریت نمایند تا وظایف محوله هم‌راستا با تحولات باشد. شوراهای محلی که رایج‌ترین نوع اقتدار محلی هستند، با مردم و شرکای محلی مانند مشاغل محلی و سایر سازمان‌ها برای توافق و ارائه اولویت‌های محلی کار می‌کنند. در شهرها، شورای شهر و در محلات شورای محلات به عنوان پارلمان‌های محلی، تصمیم‌سازی و سیاستگذاری

ایجاد تعهدات شهرداری برای ایجاد زیرساخت‌ها و حمایت فکری و فنی یونیسف ابتدا به دلیل پاندمی کووید-۱۹ و سپس تغییر مدیران شهری، یا تاخیر مواجه شده است (۳۱).  
ذیلاً برخی از اهم این علل ناکامی‌ها در تحقق برند شهر دوستدار کودک بررسی می‌گردد:

- عدم وجود منابع انسانی و مالی کافی: طرح عملیاتی ابتکار شهرهای دوستدار کودک، نیازمند بودجه‌های حمایتی با تخصیص دقیق بودجه برای هر یک از فعالیت‌های در نظر گرفته شده است تا بدین ترتیب از تخصیص منابع کافی اطمینان حاصل شود. مهم آن است که پیش از آغاز به کار و تصمیم در مورد دامنه فعالیت ابتکار شهرهای دوستدار کودک، منابع مالی و انسانی موجود مورد توجه قرار گیرند. اگر بودجه کافی نباشد، لازم خواهد بود که کمیته راهبری، منابع جایگزین را شناسایی کند و یا جذب منابع مالی بیشتر را مد نظر قرار دهد. در صورت امکان، برای اطمینان یافتن از پایداربودن راهبردها و فعالیت‌های ابتکار شهرهای دوستدار کودک، باید بخشی از بودجه دولت محلی به آن‌ها اختصاص داده شود. همچنین ضروری است که اطمینان حاصل شود کارمندان واحد هماهنگی از ظرفیت‌های مناسب برخوردار هستند. در غیر این صورت، کارکنان باید برای دستیابی به مهارت‌های لازم آموزش ببینند. آموزش‌های ضروری شامل مهارت‌های ارتباط مؤثر میان فردی، مهارت‌های شبکه‌سازی و نیز مدیریت پروژه و مهارت‌های هماهنگی است.

- جزیره‌ای عمل کردن: دستگاه‌های متولی حقوق کودک در رقابتی صرفاً روی کاغذ و در حد آمار و جلسات، در تدارک تحقق حقوق کودکان هستند، اما زمانی که شهر به عنوان محل تعلق همه این نهادها متولی شهر دوستدار کودک می‌گردد، مشارکت عملی در کار نخواهد بود. اتحاد و مشارکت‌های بین‌بخشی و مشارکتی نیاز به فرهنگ‌سازی جدی دارد. شراکت با سازمان‌های جامعه مدنی و عموم مردم این مزیت را دارد که امکان می‌دهد شهروندان علاقمند، دولت محلی را در پیشرفت برنامه‌های کودکان و بهبود وضعیت آن‌ها حمایت کنند، در عین حال، این شهروندان می‌توانند از طریق

مناطق شهری زندگی خواهند کرد که بسیاری از آن‌ها در محله‌های فقیرنشین هستند. شهرها می‌توانند فرصت‌های بزرگ و امید به زندگی بهتر را ارائه دهند. آن‌ها بیش از ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهانی را تولید می‌کنند و به طور فزاینده‌ای موتورهایی برای دستیابی به توسعه در نظر گرفته می‌شوند. شهرها یکی از قوی‌ترین منابع رشد و نوآوری، تنوع و ارتباط در جهان هستند و به طور بالقوه می‌توانند فرصت‌های بزرگی برای زندگی، یادگیری و شکوفایی شهروندان فراهم کنند. همچنین ممکن است شهرها دسترسی بیشتری به خدمات اولیه مانند مدارس و بیمارستان‌ها ارائه دهند. با این حال، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و هزینه‌های بالای پذیرش می‌تواند باعث شود بسیاری از شهروندان و به ویژه کودکان نتوانند به این خدمات دسترسی داشته باشند. دیگر چالش‌هایی که افراد ساکن در مناطق شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهند، عبارتند از: فقدان مسکن مقرون به صرفه و ایمن، دسترسی محدود به حمل و نقل عمومی، نرخ بالای جرم و جنایت، افزایش آلودگی هوای بیرون و کمبود فضاهای سبز (۳۰).

در حوزه دو برند شهری شهر دوستدار کودک و شهر یادگیرنده با تمام آنچه به عنوان مبانی، الزامات و وظایف شهرداری و سایر نهادهای شهری گفتیم، متأسفانه چالش‌ها و مشکلات جدی در ایران وجود دارد و تنها تعداد محدودی از این شهرها توانسته‌اند حائز برندهای فوق گردند. در ادامه این چالش‌ها و مشکلات به تفکیک بحث می‌شود.

**۴-۱. شهر دوستدار کودک، ناکامی‌ها و مشکلات: شهر دوستدار کودک تجربه دلپذیری برای کودکان ساکن در شهرهاست، پروژه شهرآموز در یزد، گواهی بر این مدعا است. در انجام فرآیند شهرهای دوستدار کودک به تدریج مشکلات ناشی از زیرساخت‌های نامناسب رخ می‌نمایند، مشکلاتی که در ابتدای راه گاهی از آنان چشم‌پوشی شده است. ارتباط و همکاری‌های بین یونیسف و وزارت کشور بر سر شهرهای دوستدار کودک، با چالش و حتی قطع رابطه مواجه شده است. تفاهم‌نامه بین یونیسف، وزارت کشور و شهرداری‌ها جهت**

مردمی فعال در حوزه حقوق کودک، الزامی شدن تشکیل شورای مشورتی کودکان و نوجوانان برای اطمینان از اینکه طرح‌های شهر دوستدار کودک مطابق با نظرات و نیازهای آن‌ها تهیه شده و صدای آن‌ها شنیده شده است، الزامی شدن تشکیل کلینیک‌های حقوق کودک به صورت مشترک توسط مرجع ملی و استانی کنوانسیون حقوق کودک و شهرداری‌ها به عنوان نخستین مراکز حمایت حقوقی از کودکان در شهرها و تعریف یک سازوکار پایش و نظارت اقدامات و وظایف دستگاه‌های متولی که به موجب این سند می‌بایست سیاستگذاری‌ها و اقداماتی را انجام دهند و ارسال گزارش آن به دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری برای پیگیری و اصلاح روندها و به روزرسانی‌های لازم» (۳۱).

۲-۴. شهر یادگیرنده، چالش‌ها و امیدواری‌ها: به نظر می‌رسد در این حوزه نیز فقدان یا کمبود زیرساخت‌های لازم و عدم اولویت بحث آموزش حرف اول را در چالش‌های اجرایی می‌زند. در تحقق الزامات شهر یادگیرنده تنها اختیار و مسئولیت‌های شهرداری‌ها اهمیت ندارد. ضعف در تعامل بین دستگاهی و هم‌افزایی و مشارکت سازمان‌ها، نهادها و دستگاه‌های مختلف و متعددی از قبیل سازمان بهزیستی، آموزش و پرورش، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مزید بر علت است، در حالی که به نظر نگارنده با مطالعه وضعیت موجود، مهم‌ترین مشکل ضرورت تغییر رویکرد متولیان امر نسبت به یادگیری در نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی است. برخی دیگر از این چالش‌ها عبارتند از:

- شهرها قبل از آنکه در پی کسب برندها نشان‌های شهری باشند، باید فلسفه وجودی آن را به خوبی مورد مذاقه قرار دهند. مسئولان ملی یونسکو نیز بر این مسئله اذعان دارند که شهرهای درخواست‌دهنده در برخی موارد صرفاً به دنبال کسب نشان بوده و اقدامات لازم را انجام نمی‌دهد. یونسکو با برند شهر یادگیرنده به دنبال مدیریت پیچیدگی‌های زندگی شهری مردم است. مردم نیاز به کسب مهارت‌های لازم برای مقابله با مشکلات دارند، اما برای کسب این مهارت‌ها باید آموزش‌های

تعامل‌های روزمره‌شان با کودکان در شهر، به اعمال و اجرای حقوق کودک یاری برسانند. برای پیشگیری از تبدیل شدن این برنامه به برنامه‌های تکنوکراتیک و نادیده گرفتن دغدغه‌ها و نیازهای جوامع محلی و خانواده‌ها و خود کودکان، ایفای نقش جامعه مدنی، به ویژه سازمان‌های متمرکز بر کودکان و سازمان‌های تحت هدایت جوانان، ضرورت دارد. برای اطمینان از اینکه این ابتکار، در اثر جا به جایی اولویت‌های سیاسی در دولت‌های محلی، قربانی نمی‌شود و ایجاد تغییرات بلندمدت برای کودکان را با مشکل مواجه نمی‌سازد، تعادل در قدرت نیز اهمیت دارد (۳۲).

- عدم توجه به محلات: تشکیل بازیکده‌ها، فرهنگ‌سرای محلات و نیز تشکیل شبکه‌های محلی برای شناخت مشکلات کودکان هر محله در شهر دوستدار کودک اهمیت دارد. در همدان به عنوان یکی از شهرهای پایلوت این مسأله نمود جدی داشته است. «شهر دوستدار کودک باید از ساختار محله شکل بگیرد، یعنی زیرساخت‌ها باید در محیط محله که امکان دسترسی به آن از سوی کودک در کوتاه‌ترین زمان، ممکن است، فراهم شود. مع‌الوصف با توجه به آنچه گفته شد، سال ۱۳۹۹ سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های وزارت کشور آیین‌نامه اجرایی شهرهای دوستدار کودک را ابلاغ کرد، در سال‌های اخیر چند شهر هم با همکاری یونیسف و وزارت کشور به عنوان پایلوت شهرهای دوستدار کودک معرفی شدند، با وجود مصوبات و آیین‌نامه‌های متعدد، اما هنوز در شهری همچون همدان به عنوان یکی از کاندیداها در این عرصه خبری از دوستدار کودک شدن نیست. حال آنکه در همان سال شورای عالی معماری و شهرسازی الزامات و ضوابط عام شهر دوستدار کودک را تصویب کرد. مصوبه‌ای که بر اساس آن باید تمام فضاهای عمومی شهر پذیرای جمعیت کودکان باشد. بر اساس این مصوبه توجه به نیاز کودکان در محیط شهری مورد تأکید قرار گرفته است» (۳۳).

- عدم رعایت چارچوب‌ها: برای تحقق شهر دوستدار کودک الزامی شدن برخی رؤس و چارچوب‌های اسناد یونیسف لازم است. از جمله: «الزامی شدن تهیه طرح ارزیابی تأثیر پروژه‌های عمرانی بر کیفیت زندگی کودکان و نوجوانان توسط انجمن‌های

### نتیجه‌گیری

در مقدمه این مقاله این پرسش مطرح شد که برندهای شهری تا چه میزان می‌توانند به تحقق حقوق شهروندی کمک کنند؟ با تدقیق در محورهای بررسی‌شده در این پژوهش، در حالت آرمانی پاسخ این خواهد بود که امروزه با لحاظ شرایط شهرنشینی مدرن یکی از پیش‌شرط‌های تحقق حقوق شهروندی، پیوستن شهرها به این شبکه‌های جهانی هستند. شهر یادگیرنده که ترویج ابتکارات یادگیری بین نسلی و ارتقای فرصت‌های آموزشی و یادگیری برای همه به ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر و ایجاد شبکه‌های مشارکت مدنی شهروندان را تشویق می‌کند و تلاش می‌کند شهروندان با استفاده از رسانه‌های اجتماعی و فناوری‌های مدرن در فرایندهای تصمیم‌گیری شهر مشارکت کنند، شهر دوستدار کودک که مشارکت را حق اساسی کودکان می‌داند و درصدد است تا اطمینان حاصل کند همه کودکان به ویژه کودکان به حاشیه‌رانده‌شده و آسیب‌پذیر در بهره‌مندی از خدمات، تسهیلات و امکانات شهری با هیچ‌گونه تبعیضی مواجه نخواهد شد، البته مطلوب هر حکومت ملی و محلی است، اما در واقعیت، مشکلات و چالش‌های عمیقی را رخ می‌نمایند. همان مشکلاتی که شهرداری‌های کشور در بدایت کاندیدانمودن شهروندان برای کسب نشان‌های شهری آن غفلت ورزیده و یا با تغییر مدیران شهری دیگر در حل آن مشکلات در اولویت نبوده است. لازم است به عنوان تذکار برخی از این موارد مورد تأکید موکد قرار گیرد:

- مدیریت شهری کارآمدی نیازمند افزایش مشارکت شهروندان و جامعه مدنی است. مشارکت شهروندان در اداره امور شهر سبب‌ساز کاهش محدودیت‌ها و مشکلات مدیریت شهری با توجه به کمبود یا فقدان نیروی متخصص و منابع مالی شهرداری‌ها می‌گردد. چنین مشارکت‌هایی در اداره شهر باعث افزایش میزان همکاری‌های اجتماعی و نیز افزایش حس تعلق به شهر می‌شود که این مهم منجر به ایجاد و یا تقویت پایه‌های جامعه مدنی نیز می‌گردد. در تحقق برندهای شهری موصوف، مشارکت مؤثر شهروندان در تصمیم‌سازی و اجرای

لازم به شهروندان ارائه شود. آموزش‌های همه‌جانبه مد نظر یونسکو از آنجا به تعامل بین دستگاهی نیاز دارد، به حد لازم نرسیده است. مشارکت سازنده سازمان‌های مردم‌نهاد، گروه‌ها و کنشگران حوزه شهری، آموزش و پرورش و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و دانشگاه‌ها با مدیران شهری لازمه تحقق شهر یادگیرنده است.

- همکاری دانشگاه‌ها با مدیریت شهری به شکلی که در راستای خدمات شهری قرار گیرند، با تشکیل دانشگاه‌های نسل جدید را مد نظر قرار داد و حذف دیوارهای دانشگاه‌ها محقق می‌گردد تا عموم مردم با استفاده از المان شهری، از جمله بیلبورد، تندیس، ماکت و استفاده از فضای پیاده‌روها و کوچه‌ها، بتوانند از آموزش شهروندی بهره‌مند شود. امکانات شهری و طراحی نوین شهری باید با رویکرد یادگیرندگی صورت گیرد، امری که در اغلب شهرهای کاندیدا دیده نمی‌شود.

- چالش‌های حقوقی قوانین و مقررات شهرداری در تحقق برندهای شهری عاملی نگران‌کننده است. در این قوانین مشکلات اساسی که به چشم می‌خورد عبارتند از: عدم تدقیق حقوق و تکالیف متقابل شهروندان و شهرداری، عدم حضور شهروندان در فرآیند تهیه، عدم بررسی و تصویب برنامه‌های توسعه شهری، فقدان راهکارهای جلب مشارکت‌های شهروندی و فقدان مدیریت واحد شهری. در مدیریت واحد و جامع شهری، باید رویکرد سیستمی به ویژه در حوزه‌های نظارتی و کیفی مبتنی بر روش‌های علمی در مسیر دستیابی به اهداف پیش‌بینی‌شده وجود داشته باشد که متأسفانه به شیوه یادگیرنده وجود ندارد. شهرداری به عنوان بالاترین مرجع و نهاد و شهردار به عنوان عالی‌ترین مقام در حوزه مدیریت شهری، خود را در فرآیند یادگیرندگی وارد نکرده‌اند.

در پایان این مقاله آنچه در مقدمه به عنوان فرضیه مطرح شد را در نتیجه‌گیری بررسی نموده و پیشنهادهای علمی و عملی با توجه به موضوع ارائه می‌گردد.

نظام حقوق شهری در راستای حل تعارض، تغایر و تکثر در مواد قانونی موجود و تدقیق در حوزه حقوق و تکالیف متقابل شهروندان و شهرداری جهت نیل به اجرای عدالت و احقاق حقوق مردم از ضروریات است. از آنجایی که هدف از تدوین قانون جامع مدیریت شهری، کارآمدی مدیریت شهری در مواجهه با تحولات و فناوری‌های جدید است، تکیه بر شکل‌گیری حکومت‌های محلی، مستلزم بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد مدیریت شهری و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده قوانین فعلی حاکم بر شهرداری‌هاست.

بدیهی است فهرست این مشکلات بسیار گسترده‌تر از آن است که در حوصله این مقال بگنجد، کوتاه سخن آنکه تحقق برندهای شهری مستلزم محقق‌نمودن ۵ مؤلفه است: «پیوندها و اعتماد بین فردی»، «همبستگی و انسجام اجتماعی»، «مشارکت اجتماعی»، «هنجارها و اعتماد اجتماعی» و «روابط مدنی و سازمانی» و تا این مؤلفه‌ها به دست نیاید، ارزش‌هایی چون توسعه شهری، صیانت از حقوق شهروندان، عدالت اجتماعی و دموکراسی محقق نخواهند گردید.

### مشارکت نویسنندگان

محسن خاکزاد شاهاندشتی تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

### تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

### تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

### تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

تصمیمات پارمان شهری رکن بی‌بدیلی به حساب می‌آید. تحقق شهر دوستدار کودک در گرو شنیده‌شدن صدای کودکان و مشکلات آنان است که تنها با مشارکت‌دادن آنان محقق می‌شود. در شهر یادگیرنده نیز هدف از شبکه‌سازی و ارزیابی نقاط قوت و ضعف شهر، مشارکت‌سازنده شهروندان است. اینکه شهروندان مسئولیت‌پذیر و مطالبه‌گر در شهر تربیت کنیم، وظیفه مدیریت شهری است.

- تغییر نگاه مدیران لازمه توفیق برندهای شهری است. هیچ شهر یا اجتماع محلی، بدون تحلیلی جامع و مناسب در مورد بودجه، شامل نظام و چارچوبی برای بررسی اینکه چگونه هزینه‌های پیش‌بینی‌شده در بودجه بر شهروندان تأثیر می‌گذارد، نمی‌تواند تعیین کند که تا چه حد به وظایف و تعهداتش عمل می‌کند. در بودجه‌بندی، اولویت مسائل کودکان و شهروندان نادیده گرفته می‌شود. اولویت‌ندادن به مسائل حقوق شهروندی به ویژه کودک و نوجوان در سیاستگذاری‌های کلان، میانی و خرد کشور وجود دارد، بدین معنا که اولویت به کودک و نوجوان دست کم در نگاه دولت چه در سطح ملی، چه در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها و چه در سطح شهرداری‌ها که یک نهاد عمومی هستند و طبق بندهای ۶ و ۲۱ ماده ۵۵ موظفند به حقوق کودکان رسیدگی کنند، وجود ندارد.

- دولت‌ها و نهادهای عمومی با تعیین و تدوین قواعد و مقررات مربوطه، سیاست خاص خود در مدیریت شهری را در جهت تنظیم روابط حاکمیت و شهروندان پیش گرفته‌اند. در جوامع امروزی بررسی روابط متقابل شهروندان و مدیریت شهری و همچنین بررسی مفهوم مشارکت، بدون مفهوم شهروندی معنایی ندارد. تضمین مشارکت و تحقق حقوق شهری شهروندان با استناد به قوانین ۶۵ سال پیش در مدیریت شهری قابلیت انجام ندارد، عدم انطباق وظایف و اختیارات شهرداری با نیازهای روز و حقوق شهری، عدم وجود نقش حاکمیتی و سیاستگذاری شهرداری در شهر، عدم تحقق مدیریت جامع و یکپارچه شهری، مغفول‌ماندن شهرها و شهرداری‌ها در ساختار نظام اداری، اجرایی‌نمودن مؤلفه‌ها و نظریه‌های جدید را با مشکلات عدیده مواجه می‌نماید، لذا بیش از هر چیز، ضرورت تدوین قانون جامع شهری، به روزکردن قوانین و مدرنیزاسیون

### ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.



## References

1. Shadman M. Citizenship rights. Available at: <https://shahrvandi.blogspot.com/1391/07/07/post-8>. [Persian]
2. Kamyar GH-R. City law and urban planning. Tehran: Majd Publications; 2014. [Persian]
3. Rezaeezadeh MJ. Urban planning rights. Tehran: Majd Publications; 2012. [Persian]
4. Kamyar GH-R. City and citizenship rights. Tehran: Majd Publications; 2016. [Persian]
5. World Charter for the Right to the City. 2005. Article I, part.2.1
6. Available at: <https://www.right2city.org>.
7. Castro Seixas E. Urban (Digital) Play and Right to the City: A Critical Perspective. *Front Psychol.* 2021; 12: 636111.
8. Harvey D. The right to the city. *New Left Rev.* 2008; 53: 23-40.
9. Kamyarrad S, Hadavand M, Kamyarrad SA. Right to the City. *Public Law Research.* 2021; 22(70): 250-282. [Persian]
10. Castillo-Villar F. City branding and the theory of social representation. *Bitacora Urbano Territorial.* 2018; 28(1): 31-36.
11. Hereźniak M. Place Branding and Citizen Involvement: Participatory Approach to Building and Managing City Brands. *International Studies. Interdisciplinary Political and Cultural Journal.* 2017; 19(1): 129-142.
12. Kaymaz C. Henri Lefebvre's Interventions: Urban Rights versus Right to the City. *Alternative Politics.* 2021; 13(3): 758-789.
13. Haghshenas MJ. Urban rights and the right to the city. 2017. Available at: <https://www.irna.ir/news/82579099>. [Persian]
14. European Urban Charter The text of the Charter is available from the Secretariat of the Congress. 1992.
15. Ebrahimian H, Lotfi T. Studying the relationship between citizenship rights and social security (case study: citizens of Tehran). *Journal of Social Research.* 2019; 11(45): 49-67. [Persian]
16. Nejati Hoseini SM. The new paradigm of urban management. *Urban Management.* 2000; 1(1): 5-10. [Persian]
17. Guidance Note, The Child Friendly Cities Initiative United Nations Children's Fund (UNICEF). 2022.
18. Available at: <https://www.childfriendlycities.org/building-child-friendly-city>.
19. Council of Europe, center of expertise for local government reform. Leaship academy programme, module 1: Good local governance. 2017. p.1-13.
20. Pajouhan M. Approval of the most progressive document for the realization of a child-friendly city. *Hegmataneh Newspaper.* 2021; ID News:29882. Available at: <https://www.hegmataneh-news.ir/NewsPaper/PrintNews/29882>. [Persian]
21. UNICEF. Enhancing Subnational and Local Governance to Accelerate Results for Children: Subnational and Local Governance Programming Framework for UNICEF Country Offices and National Committees. 2022.
22. Available at: <https://www.unicef.org/social-policy/urban>.
23. UNESCO Global Network of Learning Cities. Humburg: Guiding Documents; 2015.
24. Available at: <https://www.uil.unesco.org/en/learning-cities>.
25. Afshari M, Pourmahabadian E. Legal analysis of urban laws with emphasis on the concept of the right to the city And its relation to citizenship rights. *Judicial Law.* 2020; 26(26): 29-48. [Persian]
26. Ghasemi F, Parsa A, Mehralizadeh Y, Shahi S. Investigating the Interactive Role of University and Municipality in Creating and Developing a Learning City. *Quarterly Journals of Urban and Regional Development Planning.* 2020; 5(12): 157-188. [Persian]
27. Available at: <https://fa.irunesco.org/learningcity/>.
28. Urban Development Research Committee. collection of articles on urban development. Tehran: Azarakhsh Publications; 2014.
29. Tafteh MK. Karaj, a citizen-centered learning city. *Titir* 20. 2021; ID News: 49804. Available at: <https://titre20.ir/fa/news/49804>.
30. Available at: <https://www.unicef.org/sop/convention-rights-child-child-friendly-version>.
31. Pajouhan M. Which city is child-friendly? *Payam-Ma Website.* 2022. Available at: <https://payamema.ir/payam/articlerelation/62954>. [Persian]
32. Child Friendly Cities and Communities Handbook. United Nations Children's Fund (UNICEF); 2018.
33. Sajjadzadeh H. Farsangs are far from turning Hamedan into a child-friendly city. *Sepehr-e Gharb*

Newspaper. 2023; ID News: 69006. Available at:  
<https://www.sepehrgharb.ir/Press/ShowNews/69006>.  
[Persian]